ماندگار

روزنامهٔ صبح افغانستان
چاپ همزمان: کابل – هرات
پخش همزمان:
بلخ
پروان
پنجشیر
میدان وردگ
و کاپیسا

لیوبوسکالیا

آنان که خود را باور دارند و لحظه [=دَم] را باور می‌کنند، از زنده‌گی لذت فراوان می‌برند؛ آنان آموخته‌اند که گذشته انبان خاطره‌هاست نه انبار افسوس‌ها.

www.mandegardaily.com

سال پنجم ❁ شمارهٔ یکهزار و سی و چهارم ❁ دوشنبه ۱۹ فروردین/حمل ۱۳۹۲ ❁ ۰۸ اپریل ۲۰۱۳

ناامن‌سازی شمال، پروژهٔ سیاسی ـ انتخاباتی است

صفحه ۶

پیمان: در ناامنی‌های شمال و به ویژه ولایت بدخشان، برخی حلقات دولتی دست دارند؛ آن‌ها می‌خواهند ولایاتی را که مثل بدخشان در گذشته پایگاه مهم مقاومت بود، ناامن بسازند. در این حال، شماری از حلقات وابسته به ارگ ریاست‌جمهوری، برنامه دارند که ناامنی‌ها را به نحوی در افکار عامه، ملی و مردمی جلوه دهند.

کوفی: ناامن‌سازی شمال یک پروژه است؛ برخی از حلقات دولتی برنامه دارند طالبان را یک جنبش مردمی نشان دهند که گویا آن‌ها در دورترین ولایت‌ها نفوذ دارند.

وردک:

اگر عنوان کتابی غلط باشد استعفا می‌دهم

اعضای مجلس سنا از وزیر معارف به دلیل این که اشتباه‌های فاحش املایی و انشایی در کتاب‌های درسی این وزارت وجود دارد، به شدت انتقاد کردند.

برخی سناتوران گفته اند که حتا در عناوین کتاب‌های تعلیمی این وزارت، اشتباه‌های املایی و چاپی به مشاهده می‌رسد.

آن‌ها تأکید کرده اند که به خاطر اصلاح این کتاب‌ها، اگر کاری صورت نگیرد، به اعتبار معارف کشور صدمهٔ جدی وارد خواهد شد....

ادامه صفحه ٦

وزارت امور داخله:

لازم دانسته شده نام اقوام در شناس‌نامه‌ها گنجانیده نشود

اعضای مجلس: در این باره واکنشی سخت خواهیم داشت

ناجیه نوری

مسوولان توزیع شناس‌نامه‌های برقی در وزارت امور داخله می‌گویند: بر اساس مشوره‌هایی که انجام داده اند، لازم دانسته شده تا نام اقوام در شکل ظاهری شناس‌نامه‌ها گنجانیده نشود.

آن‌ها همچنان می‌گویند که توزیع فرم شناس‌نامه‌های برقی، از چهار حمل به این سو از ناحیهٔ یازدهم شهر کابل آغاز شده و توزیع شناس‌نامه‌ها از ۲۱ حمل سال جاری شروع خواهد شد.

اما با فرا رسیدن زمان توزیع شناس‌نامه‌های برقی، سرو صداها در خصوص چه‌گونه‌گی محتوای این شناسنامه‌ها، بار دیگر بالا گرفته است.

برخی‌ها هراس دارند که ذکر هویت قومی و ملیتی

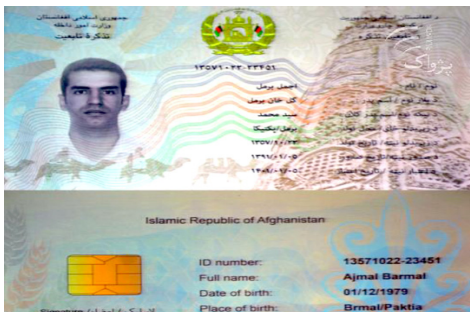

آن‌ها در شناسنامه‌های برقی گنجانیده نشود.

انجنیر معصوم فرهاد رییس توزیع شناس‌نامه‌های برقی می‌گوید، تمام معلومات در بارهٔ قوم و هویت افراد در شناس‌نامه‌های برقی در داخل «چپ» جاسازی خواهد شد، زیرا با در نظر داشت مشوَره‌هایی‌که ما داشتیم، لازم دانسته شده تا نام قوم در شکل ظاهری شناسنامه‌ها گنجانیده نشود.

وی افزود، به یازده میلیون نفر شناس‌نامه توزیع خواهد شد، اما امکان دارد که تا زمان برگزاری انتخابات این رقم بیشتر شود و ما بتوانیم برای شمار زیادی از مردم، شناسنامه توزیع کنیم.

انجنیر فرهاد اضافه کرد، توزیع شناس‌نامه‌ها از شهر کابل آغاز خواهد شد و در آینده در شهرهای بزرگی مانند بلخ، بدخشان، کندز، هرات، قندهار و جلال‌آباد نیز این پروسه جریان خواهد یافت.

رییس شناسنامه‌های برقی...

ادامه صفحه ٦

رییس ستاد مشترک ارتش امریکا:

نیروهای افغان توان تأمین امنیت کشورشان را دارند

مارتین دمپسی در سفرش به افغانستان اعلام کرد که نیروهای امنیتی افغان توانایی تأمین امنیت کشور خود را دارند. مارتین دمپسی در دیدار با وزیر دفاع و رییس ستاد مشترک ارتش افغانستان از پیشرفت‌ها در ارتش کشور استقبال کرد....

ادامه صفحه ٦

وزارت امور خارجه:

طالبان صلح‌طلب حذف شدند

وزارت خارجهٔ افغانستان می‌گوید آن عده از رهبران طالبان که خواستار صلح بودند، به شیوه‌های گوناگون از صحنه حذف شده اند. مقام‌های این وزارت می‌گویند صلح زمانی در افغانستان امکان دارد که پاکستان در این زمینه همکاری کند.

جانان موسی‌زی، سخنگوی وزارت خارجه افغانستان روز یک شنبه در یک کنفرانس خبری در کابل گفت: «کسانی که از بین طالبان از رهبری طالبان که طرفدار پروسه صلح هستند و با دولت در تماس گرفتند، آن‌ها یا گرفتار شدند، یا تهدید شدند و یا هم کشته شدند».

رییس‌جمهور کرزی چند روز پیش گفت که ملا عمر رهبر طالبان می‌تواند خود را در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱٤ نامزد کند. پس از این اظهارات آقای کرزی، طالبان بر ادارات محلی ولایت فراه حمله کردند و تمام افرادی را که در این اداره‌ها بودند، به رگبار بستند.

این در حالی است که وزارت خارجه افغانستان

می‌گوید پروسه صلح افغانستان به دلایل واضحی آغاز شده است؛ زیرا رهبران طالبان به مذاکره تمایل نشان داده و خواستار توقف خشونت‌ها شده اند.

آقای موسی‌زی در این مورد گفت: «یکی از دلایلی که چرا تعداد زیاد رهبران طالبان طرفدار پروسه سیاسی هستند این است که آن‌ها درک کرده اند که هیچ زمانی نمی‌توانند از...

ادامه صفحه ٦

در برگ ها

جامعهٔ جهانی؛ نیازمند یک اعتراف و یک دقت! ۲

طرح ملیِ حکومت‌داریِ شایسته ۴

رها در باد؛ روایتی از پشت صحنهٔ خلق و پرچم در افغانستان ۵

در وضعیت موجود افغانستان کابل و واشنگتن مقصر اند ۷

سخن ماندگار

این مجلس، مجلس نمی‌شود!

تصـمیم به استیضاح یازده وزیر کابینهٔ آقای کرزی از سوی مجلس نماینده‌گان، موجی از انتظارهای تازه را در میان شهروندانِ کشور برانگیخته بود و عده‌یی از یک تحول بنیادی در وضعیتِ سیاسی کشور سخن می‌گفتند و این اقدام مجلس را به فال نیک می‌گرفتند. اما برآیندِ این اقدام، دوبارهَ یأس و سرخورده‌گیِ سیاسی و اجتماعی را در میان مردم دامن زد. همان رخوتَ و انفعالی را که متأسفانه در سال‌های پسین شاهدِ آن هستیم و آهسته‌آهسته تمام عرصه‌های جامعه را اسیر خوابَبُرده‌گیِ افیونیِ خود می‌سازد.

اگر آن‌گونه که ادعَا می‌شود، در روند استیضاح وزیران پول‌های کلانی ردوبدل شده باشد، بدون تردید فاجعهٔ بزرگی در کشور رقم خورده است. شاید در گذشته نیز شماری از نماینده‌گان به‌دلایل مختلف وارد چرخهٔ فساد و حمایت از وزیران شده باشند، ولی هیچ‌گاه این‌گونه نشـده بود که در یک شب، تصمیم نماینده‌گان به گونهٔ شگفت‌آوری تغییر کند و خلاف انتظار، از درون صندوق‌های رای چیزی بیرون شود که همه را شوکه سازد.

کم‌کاری و فساد در وزارت‌خانه‌های کشور بیداد می‌کند. و این چیزی نیست که نیاز به اسناد محرمانه داشته باشد. بخشی از این‌گونه اسناد، همین حالا در اختیار نهادهای زیادی از جامعهٔ مدنی، رسانه‌ها و حتا عادی‌ترین شهروندانِ کشور قرار دارد. حرف‌وحدیث‌های نگران‌کننده و فراوانی نیز مبنی بر امضای قراردادهای غیرشفاف و ته و بالا شدنِ پول‌های کلان در وزارت‌خانه‌ها وجود دارد. انتظار می‌رفت که مجلس نماینده‌گان با دقت بیشتری نسبت به این مسایل از خود واکنش نشان می‌داد.

هرچند هنوزهم نماینده‌گانِ مسوولیت‌پذیر در مجلس وجود دارند، ولی روند استیضاحِ وزیران نشان داد که این افراد در اقلیت به‌سر می‌برند. و اگر مجلس هم‌چون دو نهاد دیگر به فسادِ گسترده و فراگیر مصاب شود، آن‌گاه پیش از فرا رسیدنِ سالِ ۱۳۹۳ و برگزاری انتخابات آینده، باید منتظرِ روزهایِ فاجعه‌بار و سختی بود. وضعیت موجود، می‌توانَد اثرات ناگوار خود را بر روند انتخاباتِ آینده نیز بگذارد. شماری از آگاهان از حالا نگران انتخاباتِ آیندهٔ ریاست‌جمهوری استند و باور دارند که تلاش‌هایی در حال انجام شدن است تا در این انتخابات نسبت به دو انتخابات گذشتهٔ ریاست‌جمهوری، از تقلب بیشتری استفاده شود.

مجلس نماینده‌گان یا باید در مورد استیضاح وزیران، هیچ حرکتی را سامان نمی‌داد و یا این‌که چنان برخورد قانون‌مدارانه‌یی را از خود بروز می‌داد که یک بارِ دیگر نشاط سیاسی را وارد فضای جامعه می‌ساخت. در خصوص استیضاح و صندوق گذاشتن برای وزیران به‌هدف تأیید و یا رد صلاحیت‌های‌شان، گفته شده که یکی از وزیران مبالغ هنگفتی را به مصرف رسانده است. در این مورد، شماری از اعضای مجلس نیز در رسانه‌ها دست به برخی افشاگری‌ها زدند، ولی این افشاگری‌ها به میزانی نبود که بتواند قناعتِ جامعه را فراهم کند. ضرورت است که نماینده‌گانِ مسوولیت‌پذیرِ مجلس در این خصوص دست به یک رشته اقدام‌های فوریَ و افشاگرایانه بزنند و لااقل بخشی از روند فسادِ موجود در مجلس را در برابر قضاوتِ جامعه قرار دهند. زیرا کوتاه آمدن و عدم توجه به این مسأله، می‌تواند دامن اکثریت نماینده‌گان را بگیرد و حتا آنانی را که در زدوبندها و معامله‌گری‌های پشت پرده شرکت نداشته‌اند، مورد شک و سوءظن قرار دهد. یگانه راهی که در برابر اعضای بیدار و آگاه مجلس قرار دارد، یافتن اسناد و مدارکِ لازم در خصوص آن‌چه که در روزهای گذشته در مجلس اتفاق افتاده، است. مردم حق دارند بدانند کی‌ها معامله کرده‌اند و این معامله‌گری چه‌گونه و در چه سطوحی انجام شده است. گفتنِ این‌گونه جملات که وزیران با توضیحاتِ خود توانستند قناعَت نماینده‌گان را جلب کنند، نه کافی استَ و نه هم قابل پذیرش.

مردم بهتر از همه می‌دانند که در وزارت‌خانه‌های کشور چه می‌گذرد، حتا در همان وزارت‌خانه‌هایی که گفته می‌شود به وجه احسن از عهدهٔ وظایفِ خود بیرون شده‌اند. مردم در این خصوص پرسش‌های بی‌پاسخِ فراوانی داشتند و دارند که باید در جریان استیضاحِ وزیران بهَ آن‌ها پرداخته می‌شد، ولی چنین نشد. حالا آن‌ها امیَدِ خود را از مجلس نیز بریده‌اند و به گفتهٔ حافظ منتظر اند که: دستی از پرده برون آید و کاری بکند.

حلیمه حسینی

جامعهٔ جهانی؛ نیازمند یک اعتراف و یک دقت!

درست یک سالِ دیگر به انتخابات سرنوشت‌سازی کهَ در پیش رو داریم، باقی مانده است؛ انتخاباتی که بدون شک تعیین‌کنندهٔ سرفصل‌های اساسیِ بعد از ۲۰۱٤ خواهد بود.

انتخابات پیش رو به ده‌ها دلیل، برای ملت ما نقشی حیاتی و تعیین‌کننده دارد. زیراَ پس از ۲۰۱٤ و انتخاباتی که در آن برگزار خواهد شد، هیچ تضمینی وجود ندارد که جامعهٔ جهانی برای انتخاب‌های بعدی و بعدی، هزینه صرف کند و بودجه به مصرف برساند تا روندِ دموکراتیک در افغانستان بارورتر و ریَشه‌مندتر گردد. از این‌رو شفافیت و سلامتِ این دوره از انتخابات، نباید به هیچ قیمتیَ مورد معامله قرار گیرد. چرا که شکستِ این انتخابات، در حقیقت نقطهٔ پایانی خَواهد بود برای هر امید و آرزویی جهتِ تغییر در ساختار فاسد و آلودهٔ نظام و جریَان جاری و حاکم در افغانستان.

زیر سوال رفتنِ سلامت انتخابات و زیر سایه‌های تردیدَ و تقلب قرار گرفتن نتیجهٔ آن، مشروعیت و پایه‌های دموکراسی را در افغانستان این‌بار آن‌چنان خواهد لرزاند که دیگر برای بازسازی و دگردیسی، دیر خواهد بود. بنابراین، جامعهٔ جهانی که امروز به عنوان یک حامیِ قدرت‌مند در کنار افغانستان قرار گرفتهَ و هزینه‌های گزافی را برای دموکراتیزه کردن نظام در افغانستان به مصرف رسانده، بَاید قبول کند و بپذیرد که در بیشتر مواقع کمک‌های آنان با دقت و شفافیت و یک مکانیسم درست‌وسالم در افغانستان به مصرفَ نرسیده است. میلیاردها دالری که باید برای آبادانی و رفاه حالِ شهروندان ما به مصرف می‌رسید و در نحوهٔ زنده‌گی و سهولت‌های رفاهی آن‌ها تا زیربنایی‌ترین بخش‌ها مثل اقتصاد و معارف، تغییرات اساسی ایجاد می‌کرد، کاملاً حیف‌ومیل شد و دستاوردهای حکومتِ رییس‌جمهور کرزی نیز صرفاً به چند تغییرَ نمادین و سمبولیک مثل بهبود وضعیت زنان و یا رشد و شکوفایی رسانه‌ها، خلاصه شد. مردم، در تمام بخش‌ها به جز پول مصرف کردن و بی‌برنامه عمل کردن، چیز دیگری را شاهد نبوده‌اند و حجم دستاوردها و تغییرات، هیچ تطابقی با حجم سرمایه‌هایی که به نامِ آن‌ها به مصرف رسیده است، ندارد.

جامعهٔ جهانی، هزینهٔ انتخابات آتی را متقبل شده است؛ اما در کنار این سخاوت‌مندی، باید به یک حقیقتِ دیگر اعتراف کنند و

امروز مردم افغانستان به هیچ عملِ بشردوستانه و کمکی مهم‌تر از این نیازمند نیستند که یاری شوند تا بتوانند خواست و ارادهٔ واقعیِ خود را به حاکمیت برسانند و کشور را از چنگالِ یک حلقهٔ مافیاییِ کلان و قدرت‌مند نجات دهند. پس خوب است جامعهٔ جهانی پیش از این‌که دیر شود، هم به موضع‌گیریِ غلط و حمایتش از نتیجهٔ آکنده با تقلبِ انتخاباتِ پیشین اعتراف کند و هم دقتِ بیشتری به خرچ دهد که اشتباهِ گذشته‌اش اشتباهاً دوباره تکرار نشود!

هم‌چنین دقت و مراقبت بیشتری را در کسب نتیجهٔ مطلوب ملَت افغانستان به خرچ دهد. جامعهٔ جَهانی باید اعتراف کند و بپذیرد که در انتخابات گذشته، اصلِ بی‌طرفی و دل‌سوزی برای آرای حقیقیَ مردم و حفظ و نگه‌داشتِ آن‌ها را رعایتَ نکرد و هم‌صدا با جریانَ و گروهی شد که تقلبِ پیچیده و سازمان‌دهی شدهٔ آن‌ها بدون شکَ غیر قابلِ انکار بود. جامعهٔ جهانی باید اعتراف کند وَ بپذیرد که آن‌ها ترجیح دادند حقیقتِ آرای مردم را با بودنِ یک هم‌پیمانِ استراتژیک‌شان یعنی جنابَ آقای کرزیَ مبادله کنند و نیز داشتن کرزی و تیم حاکم را از داشتن اعتماد مردم افغانستان والاتر دانستند.

اما این بار اگر جامعهٔ جهانی به‌خاطر تمویل مالی انتخابات، مهندسی انتخابات را نیز به‌دست گیرد و با یکِ جریان یا جریان‌های وابستهٔ دیگر که ابداً نمی‌توانند تمثیل‌گرِ ارادهٔ مردمیِ باشند، هم‌داستان شود و عدمَ مشروعیتِ آن‌ها را با تأییدِ خود مشروعیت بخشد، اَشتباه بزرگی راَ مرتکب خواهد شد. بدون شک اگر این کار یک بار دیگر تکرار شود، دیگر هیچ گمانه و احتمالَی جز ارادی و عمدی عملِ کردنِ جامعهٔ جهانی در راستای مصادرهٔ آرای مردَم باقی نخواهد ماند. از این‌رو اگر جامعهٔ جهانی خواهان همکاری‌های طولانی‌مدت و استراتژیک با افغانستان است، در قدم اول باید به نتیجهٔ انتخابات هر چه که باشد، احترام گذاشته و تلاش کند در کنار تقبل هزینهٔ انتخابات، هزینه‌های جانبیِ سیاسی و اقتصادیِ دیگری را که بایَد از همین اکنون برایَ حفظ سلامت انتخابات و شفافیتِ آن به مصرف رسد را بپردازد.

طرح مصادرهٔ آرای مردم اگر این‌بار هم در اجندای کاری حکومت باشد، بدون شک طرحی شکست‌خورده و مفتضح خواهد بود؛ چرا که دیگر مردم نه فریب می‌خورند و نه باور می‌کنند که یک بارِ دیگر در پیش چشم هزاران نفر، تقلبَ صورت بگیرد و سرانجام بدون هیچ مجازاتی، ریاست‌جمهوری جایزهٔ کسانی باشد که به‌خوبی تقلب و دسیسه‌ها علیه آرای مردم را سازمان‌دهی کرده‌اند. جامعهٔ جهانی قدم به قدم باید عملی شدن یا نشدنِ سلامت انتخابات و آسیب‌هایی احتمالی وَ جاری‌یی که آن را تهدید می‌کند، شناسایی کرده و اگر به‌حق می‌خواهد از درون صندوق‌های سال ۹۳، خواست و ارادهٔ برحق مردمی بیرون بیاید، باید با این آسیب‌ها وَ تهدیدها از همین اکنون مقابله کرده و نگذارد آن‌قدر گسترده شود که به یک هرج‌ومرج انتخاباتی بدل شده و یک بار دیگر تنها دستاورد مردم و جامعهٔ جهانیَ، میلیون‌ها دالرِ هزینه و دستان خالی‌یی باشد که از رنگ انگشتان خود خجل و خشمگینِ است. در غیر این صورت، این فرضیه قویاً تثبیت میشود که جامعهٔ جهانی هیچ اراده‌یی برای حفظ سلامت انتخابات و شفافیت آن ندارد و خود هَمدست کسانی‌ست کَه از حال برای انتخابات نقشه‌ها کشیده‌اند و ده‌ها طرح و برنامه برای مصادرهٔ آرای مردم به نفع خود دارند. اما اگر این فرضیه قوت گرفتَ و به یک باور عمومی مبدل شد، دیگر جامعهٔ جهانی نخواهد توانست با شعارهای انسان‌دوستانه و بشردوستانهٔ خود، مدت اقامت خود را در این سرزمین تمدید کند؛ چرا کَه امروز مردم افغانستان به هیچ عملِ بشردوستانه و کمکی مهم‌تر از این نیازمنَد نیستند که یاری شوند تا بتوانند خواست و ارادهٔ واقعی خود را به حاکمیت برسانند و کشور را از چنگال یک حلقهٔ مافیایی کلان و قدرت‌مند نَجات دهند. پس خَوب است جامعهٔ جهانی پیش از این‌که دیر شود، هم به موضع‌گیری غلط و حمایتش از نتیجهٔ آکنده با تقلبِ انتخاباتِ پیشین اعتراف کند و هم دقتَ بیشتری رَا به خرچ دهد که اشتباهِ گذشتَه‌اش اشتباهاً دوباره تکرار نشود!

رهبر چین:

نباید به کسی اجازه داد آسیا را به آشوب بکشاند

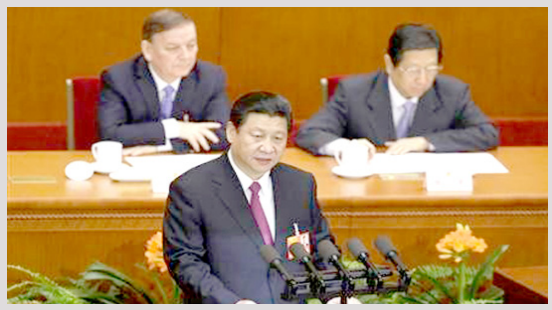

در پی افزایش تنش‌ها در شبه جزیره کوریا، رییس‌جمهوری چین با تاکید براینکه رشد سریع آسیا به صلح و ثبات وابسته است تاکید کرد: به هیچ کس نباید اجازه داد تا منطقه را برای خواسته‌های خودخواهانه به آشوب بکشاند.

به گزارش خبرگزاری پی.تی.آی، شی جینپینگ، رییس‌جمهوری چین با اشاره به توجه منحصر به فرد آمریکا به منطقه آسیا – اقیانوس آرام گفت: هیچ کس نباید منطقه و تمام جهان را به آشوب و ناآرامی بکشاند. ثبات در آسیا هم اکنون با چالش‌هایی مواجه است و تهدیدهایی وجود دارد.

شی جینپینگ که ماه گذشته زمام امور چین را به دست گرفته، تاکید کرد که کشورهای آسیایی نیازمند افزایش اعتماد دوجانبه و همکاری با یکدیگر برای تضمین صلح و ثبات بادوام در منطقه هستند.

رییس‌جمهوری ۵۹ ساله چین خواستار ثبات در آسیا همزمان با افزایش تنش‌ها در شبه جزیره کوریا شد و گفت: دولت پکن همزمان با حفاظت از استقلال، تمامیت ارضی و منافع منطقه‌ای به دنبال برقراری صلح و ثبات در منطقه آسیاست.

شی جینپینگ افزود: آسیا نیازمند افزایش و گسترش درک متقابل، ایجاد اتفاق نظر و تقویت همکاری برای ایجاد تعادل میان تمام اعضاست.

خبرگزاری اسوشیتدپرس نیز گزارش داد، رییس‌جمهوری چین هیچ پیشنهادی درخصوص برنامه‌های دقیق برای چگونگی پرداختن به مساله کوریای شمالی اعلام نکرده است.

امریکا و ترکیه:

خشونت‌ها در سوریه پایان یابد

وزرای امور خارجه امریکا و ترکیه با برگزاری کنفرانس مطبوعاتی مشترکی در استانبول، ضمن تاکید بر ضرورت پایان یافتن درگیری‌ها در سوریه اعلام کردند که خشونت‌ها درسوریه هر چه سریعتر باید پایان یابد.

جان کری، وزیر امور خارجه امریکا و احمد داوود اوغلو، وزیر امور خارجه ترکیه در کنفرانس مطبوعاتی مشترکی در استانبول اعلام کردند به تلاش‌های خود برای حل و فصل «دیپلماتیک» بحران سوریه ادامه می‌دهند اما به دلیل افزایش تلفات انسانی در سوریه هرچه سریعتر باید مرحله انتقالی آغاز شده و بشار اسد، رئیس‌جمهوری سوریه از قدرت کناره‌گیری کند.

احمد داوود اوغلو در ابتدای این کنفرانس مطبوعاتی گفت: ما روابط بسیار خوبی با امریکا داریم که این روابط در دوره رییس‌جمهوری کنونی امریکا گسترش یافته است.

وی ادامه داد: در دیدار با کری موضوعات مختلفی از جمله پرونده سوریه، روابط ترکیه، صلح فلسطین و موضوعات عراق را مورد بحث و بررسی قرار دادیم.

وی ادامه داد: ترکیه تلاش می‌کند به زودی کمپینی از کشورهای دوست سوریه را با همراهی امریکا تشکیل دهد و از این طریق به مخالفان کمک کند.

احمد داوود اوغلو افزود: نخست‌وزیر ترکیه به زودی به امریکا سفر خواهد کرد و موضوعات مختلفی از جمله عادی‌سازی روابط با اسرائیل را با مقامات واشنگتن به بحث و مذاکره می‌نشیند.

وی ادامه داد: ما مذاکرات مستقیمی با مقامات اسراییلی داشته‌ایم که این مذاکرات مثبت بوده است.

وزیر خارجه ترکیه ادامه داد: در مذاکراتی که با خانواده قربانیان کشتی مرمره آبی داشتیم آنها نیز خواسته‌هایی دارند که باید برآورده شود و آن خواسته‌ها بهبود وضعیت ساکنان غزه و مجازات عاملان حمله است چرا که ترکیه نیاز به غرامت مالی ندارد و خواسته‌های خانواده‌های قربانیان باید متوجه قرار گیرد.

جان کری نیز در این کنفرانس مطبوعاتی گفت: ترکیه و اسراییل دو هم‌پیمان استراتژیک امریکا هستند و واشنگتن تمام تلاش خود را برای عادی شدن روابط میان این دو و بازگشت سفرای آنها به کار خواهد بست.

وی ادامه داد: ما خواهان گسترش روابط تل‌آویو– انقره هستیم و این روابط را برای برقراری امنیت در منطقه ضروری می‌دانیم. جدول زمانی خاصی برای عادی شدن روابط میان دو طرف وجود ندارد اما امیدواریم هر چه زودتر روابط این دو از سر گرفته شود.

جان کری به پرونده سوریه نیز اشاره کرد و گفت: مشکلات در سوریه روز به روز بیشتر می‌شود و روند صلح و انتقال سیاسی قدرت هرچه سریعتر باید در این کشور آغاز شود.

«پاکستان با حملهٔ هواپیماهای بدون سرنشین موافقت کرده بود»

روزنامه «نیویورک تایمز» گزارش داده است که حملات هواپیماهای بدون سرنشین امریکایی در پاکستان بر اساس یک معامله سری در سال ۲۰۰٤ شروع شد.

روزنامه امریکایی «نیویورک تایمز» ناوقت روز شنبه، در گزارشی توضیح داده است که چطور اسلام آباد در سال ۲۰۰٤ به طور سری با سازمان استخبارات امریکا (سیا) موافقت کرد تا از هواپیمای بدون سرنشین برای کشتن یک متحد پاکستانی طالبان که رهبری شورشگری را در مناطق قبایلی بر عهده داشت، استفاده کند.

در مقابل پاکستان به سازمان استخبارات امریکا اجازه داد تا از هواپیمای بدون سرنشین برای شکار و قتل افراد مظنون به عضویت در القاعده استفاده نماید.

اولین هدف حمله هواپیمای بدون سرنشین امریکایی «نیک محمد» بود که در وزیرستان جنوبی به قتل رسید. گفته می شود که او به همراه چند نفر دیگر به شمول دو پسر ۱۰ و ۱٦ ساله کشته شدند.

در آن زمان، اردوی پاکستان مسوولیت حمله را بر دوش گرفت.

حملات هواپیماهای بدون سرنشین که باعث مرگ صدها نفر به شمول افراد ملکی و افزایش دشمنی علیه امریکا در پاکستان دانسته می شود، سوال هایی را در مورد استفاده از این سلاح در واشنگتن برانگیخته است.

اواخر ماه مارچ (ماه گذشته)، گزارش شد که کاخ سفید قصد دارد تا مسوولیت حملات هواپیماهای بدون سرنشین را از دست سازمان استخبارات بگیرد و به ارتش ایالات متحده بسپارد.

در همین حال «وال ستریت ژورنال» و «نشنال پابلیک رادیو» گزارش داده اند که کاخ سفید تلاش می کند تا پیشنویس رهنمای را تهیه کند تا با آن حملات هواپیماهای بدون سرنشین را زیر قانون بین المللی جنگ بگنجاند. مقامات می گویند که طبق قوانین بین المللی، حملات هواپیماهای بدون سرنشین مستلزم رضایت دولت کشورهایی است که حملات در آنجا انجام می شوند.

در حال حاضر، ارتش و سازمان استخبارات امریکا، هر دو از هواپیماهای بدون سرنشین در پاکستان، افغانستان، یمن و دیگر نقاط جهان استفاده می کنند. مرگ افراد ملکی بر اثر این حملات باعث اعتراضات در این کشورها شده است.

در جلسه استماعیه جان برینان، رییس جدید سازمان استخبارات امریکا (سیا) جمهوریخواهان و دموکرات ها از اداره اوباما به خاطر پنهانکاری در استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین انتقاد کردند.

گزارش شده است که کاخ سفید قول داده است تا شفافیت بیشتری در استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین داشته باشد تا به این ترتیب رای تایید مجلس سنا را برای برینان به دست آورد.

حضور مشرف در انتخابات پارلمانی تأیید شد

مقامات انتخاباتی پاکستان با وجود چالش‌های قانونی فراروی پرویز مشرف، روز یکشنبه موافقت کردند تا این نظامی پیشین در انتخابات سراسری آتی شرکت کند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، پرویز مشرف که پس از به دست گرفتن قدرت در کودتایی خونین در سال ۱۹۹۹ میلادی ۹ سال بر پاکستان حکومت کرد، روز بیست و چهارم ماه مارچ سال جاری پس از چهار سال تبعید خود خواسته به پاکستان برگشت و متعهد شد در انتخابات ۱۱ می در چهار حوزه انتخاباتی شرکت کند.

اما در کراچی، زادگاه این جنرال بازنشسته، مقامات رسمی به خاطر اتهام نقض قانون اساسی و اخراج قضات ارشد نامزدی وی را نپذیرفتند.

گفته شده که مقامات برگزاری انتخابات نامزدی مشرف را از شهر چیترال در شمال پاکستان که در نزدیکی مرز افغانستان واقع است، پذیرفته‌اند.

پایگاه قدرت مشرف از زمانی که پس از ۹ سال حکومت نظامی در سال ۲۰۰۸ استعفا داد، تضعیف شده و با سیلی از چالشهای قانونی رو به روست.

وی با وجود اتهام کوتاهی در مرگ بی نظیر بوتو، نخست وزیر پیشین پاکستان در سال ۲۰۰۷ و نیز مرگ یک رهبر شورشیان بلوچ در سال ۲۰۰٦ و اخراج و دستگیری قضات در نوامبر ۲۰۰۷، به قید وثیقه آزاد است.

دادگاه عالی پاکستان روز دوشنبه جلسه استماع درخواست برای محاکمه مشرف را به خاطرتحمیل قوانین فوق‌العاده در سال ۲۰۰۷ برگزار خواهد کرد، تحمیلی که در نهایت راه را برای سقوط وی هموار کرد.

رییس‌جمهور پیشین پاکستان قصد دارد در انتخابات آینده این کشور حزب خود، مسلم لیگ (شاخه مشرف) را رهبری کند.

نیویورک تایمز

پس از جشن جهانی نوروز

اسلام کریم‌اف ناپدید شد

هشت روز پس از حضور رییس جمهوری ازبکستان در مراسم جشن نوروز که در تلویزیون این کشور بخش شد، وی دیگر در انظار عمومی دیده نشده و گزارش‌هایی مبنی بر سکته قلبی وی بر سر زبان‌ها افتاده است.

احتمال این مساله که اسلام کریم‌اف، رییس جمهوری ۷۵ ساله ازبکستان به یکباره در محل کارش دچار سکته قلبی شده و درگذشته باشد این مساله را مطرح کرد که چه کسی جانشین وی می‌شود.

گلناره کریم‌اف، بزرگترین دختر رییس جمهوری ازبکستان که ٤۰ سال دارد، شخصیت برجسته و پیشرو برای جانشینی پدرش محسوب می‌شود. به طوری که تحلیلگران می‌گویند استعفای وی به عنوان سفیر سازمان ملل در ژنو که روز سه‌شنبه گذشته صورت گرفت، احتمالا برای این است که وی نقش رهبری را در کشور خودش برعهده بگیرد.

ازبکستان که جمهوری استقلال یافته پس از فروپاشی شوروی سابق است، تاکنون حکومت دموکراسی نداشته و هم‌اکنون مشخص نیست که آیا جانشین رییس جمهوری این کشور یکی از اعضای خانواده‌اش است یا یکی از مقامهای دولتی.

ازبکستان از جانب جامعه بین‌الملل مطرود و منزوی است به طوری که از سال ۲۰۰٤ میلادی زمانی که بازرسان حقوق بشر اعلام کردند زندانیان سیاسی پس از غرق شدن در آب جوشان یا زنده زنده جوشانده شدن در آب داغ کشته می‌شوند، مورد تحریم‌های ایالت متحده قرار گرفته است.

اظهار نظر در مورد سکته قلبی رییس جمهوری ازبکستان از جانب ازبک‌های در تبعید در ۲۲ مارچ سال جاری میلادی در وب‌سایت حزب مخالف موسوم به «حزب خلق ازبکستان» منتشر شد.

شهیده تولاگانووا، روزنامه‌نگار مخالف ازبک در مصاحبه‌یی تلفنی از لندن در این باره گفت: احتمال دارد رییس جمهور بیمار باشد یا تنها این اظهارات یک شایعه باشد. البته احتمال صحت مساله دوم بیشتر است اما از آن مطلع نیستیم. این مساله مردم را بسیار عصبانی می‌کند.

محمد صالح، رهبر حزب خلق ازبکستان نیز گفت: آنها می‌خواهند حقیقت را مخفی کنند اما ما از آن مطلع هستیم.

شوکت میرزایف، نخست وزیر ازبکستان نیز یکی دیگر از جانشین‌های احتمالی اسلام کریم‌اف محسوب می‌شود.

روزنامه‌نگار مخالف دولت ازبکستان در این باره می‌گوید: این یک اتحاد خوب برای دو کشور روسیه و ازبکستان محسوب می‌شود چرا که یکی از اقوام میرزایف با یکی از اعضای خانواده آلشیر عثمانف، ثروتمندترین مرد روسیه که اصلیتی ازبکستانی دارد و به مقام‌های کرملین نزدیک است، ازدواج کرده است.

نفر بعدی رستم عظیم‌اف، معاون نخست وزیر ازبکستان و یکی از مقام‌هایی است که به سمت غرب تمایل دارد و در تاشکند، پایتخت ازبکستان از حمایت گسترده‌ای برخوردار است.

طبق قانون اساسی ازبکستان، اگر رییس جمهور بمیرد، رییس سنا رییس جمهور موقت می‌شود تا زمانی که انتخابات جدیدی برگزار شود. البته احتمال جانشینی دختر بزرگ رییس جمهور ازبکستان بیشتر از سایر کاندیداهاست.

با این حال گفته شده اسلام کریم‌اف قرار است اواسط ماه آوریل سال جاری میلادی به مسکو سفر کند تا با ولادیمیر پوتین، همتای روس خود دیدار کند. چنانچه این سفر لغو شود، شایعات بیش از پیش قوت می‌گیرند.

بخش دوم

طرح ملیِ حکومت‌داریِ شایسته

عبدالشکور فقیر
بخش اقتصادی

متأسفانه چند دهه مداخلات گستردهٔ بیگانه‌گان در امور کشور، باعث درگیری‌ها و جنگ‌های فرسایشی شده که یکی از اثراتِ دردناکِ آن، ازهم پاشیدنِ بنیان‌های اقتصادیِ افغانستان بوده است. بنابرین، ضرورت است که در بخش اقتصادی، روی نکات ذیل توجه صورت گیرد تا در درازمدت بتوانیم یک اقتصاد تولیدی را پایه‌گذاری کنیم.

۱ـ تعیین یک سیاست اقتصادی کیزنین جاگزینی واردات برای درازمدت.

۲ـ مشخص ساختن نقش عمدهٔ دولت افغانستان در تولید و تقسیم اقتصادی تا افغانستان بتواند دوباره اساسات اقتصادی خود را بنا کند و هم‌چنین یک عدالت اقتصادی و اجتماعی را پایه‌گذاری نماید و درصدد اصالت بودجهٔ عادی خود برآید.

۳ـ ارزیابی راه‌های مختلف تولید انرژی برق، تا افغانستان از وابسته‌گی انرژی خارج شده و با استفاده از منابع سرشار طبیعی خود، صادر کنندهٔ انرژی برق شود.

٤ـ توجه و ترتیب طرح جامع دربارهٔ انکشاف دهات و سهیم ساختن ولایات، شوراهای ولایتی و شوراهای ولسوالی‌ها در این بخش. مرتب ساختن شهرها و احداث شهرک‌ها در مراکز ولسوالی‌ها.

۵ـ تقویه و انکشاف راه‌های مواصلاتی به‌خصوص به طرف ممالک هم‌جوار و هم‌چنان تقویت کمپنی‌های ترانسپوتی، تا توسعه‌یافته و مدرنیزه شوند.

٦ـ ساختِ بندهای کوچک و بزرگ، جهت زراعَت، پرورش ماهی، تولید برق و معتدل‌سازی اقلیم.

۷ـ به‌راه انداختن اصلاحات اراضی جهت ایجاد واحدهای بزرگ تولید زراعتی تا زراعتِ ما مکانیزه شده و پاسخ‌گوی رشد نفوسِ ما باشد.

۸ـ به‌راه انداختن پلان وسیع انکشاف صنایع دستی و ایجاد نمایشگاه‌های صنایع دستی. (از طرف شورای ولایتی و حکومت مدیریت خواهد شد.)

۹ـ ایجاد شفافیت در قراردادهای استخراج معادن و مراعات حفظ محیط طبیعی و باستانی، هنگام استخراج معادن.

۱۰ـ ایجاد محلات مجهز برای شرکت‌های تولیدیِ کوچک و اوسط و تقلیل مالیات سکتورَ تولیدی.

۱۱ـ انکشاف، تضمین و نظارت سیستم بانکی افغانستان تا سیستم بانکی در خدمت اقتصاد ملی باشد. و کوشش می‌کنیم تا اعتماد از دست رفته بر اثر واقعهٔ کابل‌بانک، اعاده گردد.

۱۲ـ ایجاد بانک اعتباری زراعتی که در خدمت انکشاف زراعت افغانستان خواهد بود.

۱۳ـ ایجاد بانک انکشاف صنعتی که در خدمت صنایع تولیدی و استخراج معادن افغانستان خواهد بود.

۱٤ـ ایجاد توافق‌نامه بین دولت افغانستان و بانک‌های افغانستان، جهت عرضه نمودن قرضه‌های مناسب برای خرید اماکن رهایشی.

۱۵ـ ایجاد شورای عالی اقتصادی جهت پیاده کردنِ سیاست اقتصادی حکومت، پیشنهاد طرحَ‌های اقتصادی، نظارت روند اقتصاد افغانستان و نظارت سیستم بانکی افغانستان.

۱٦ـ مدرن‌سازی شرکت ملی هواپیمایی آریانا، تا با نورم‌های بین‌المللی برابر شود؛ و هم‌چنین جست‌وجوی برای دریافت یک کمپنی هواپیمایی بین‌المللی همکار.

۱۷ـ کاهش قابل ملاحظهٔ قیمت انترنت، تا تعداد کثیری از مردم به آن دست‌رسی پیدا کنند به‌ویژه جوانان.

۱۸ـ ایجاد ذخایر استراتژیک در سراسر وطن که مشترکاً توسط حکومت و شوراهای ولایتی مدیریت خواهد شد.

۱۹ـ به‌راه انداختن مطالعات همه‌جانبه جهت طراحی برنامهٔ تقسیم کار (تقسیم سکتورها) در آسیای مرکزی، تا در درازمدت بازار مشترک آسیای مرکزی ایجاد شود.

۲۰ـ ترسیم خطوط اساسی جلب گردش‌گرانِ داخلی و خارجی، ایجاد محلات، زیربناها و تولید خدمات. (از طرف شوراهای ولایتی و حکومت مدیریت خواهد شد.)

۲۱ـ پلان وسیع تشویق و ترویج باغداری جهت ارتقای تولیدات و کیفیتِ حاصلات سرزمینی و ایجاد نورم‌ها، سورد و بسته‌بندی صادراتی، و نیز ساخت سیلوهای نگه‌داری حاصلات. (این مورد توسط شوراهای ولایتی و با همکاری حکومت به‌راه انداخته می‌شود.)

بخش قضایی

قضا، رکن اساسی دموکراسی پنداشته می‌شود، ولی متأسفانه این رکن در افغانستان دچار مشکلاتِ فراوان می‌باشد. در حالی که قضا بلندترینِ مرجع مبارزه علیه فساد است، خود شدیداً آغشته به این پدیده شده و لازم است برای رفع این مسأله، به نکات زیر توجه و عمل کرَد:

۱ـ ایجاد مکانیزم مجادلهٔ جدی و مداوم علیه فساد اداری در تمامی سطوح به‌ویژه در سطوح بلند دولتی.

۲ـ استرداد بدون قیدوشرط جایدادهای دولتی و یا اخذ قیمت معادل آن، و نیز مسترد ساختنِ جایدادهای شخصی‌یی که به‌صورت غیرقانونَی به قید دولت درآمده‌اند.

۳ـ استقرار یک سیستم مجازات و مکافات برای مأمورین دولت (طبق مادهٔ یک‌صدوبیست‌وچهارم قانون اساسی).

٤ـ تطبیق قانون بالای تمامی مجرمین به‌طور یک‌سان و وضع نمودنِ قوانین و مجازاتِ شدید علیه قاچاق‌برانِ مواد مخدر، آثارَ تاریخی و آدم‌ربایان و خشونت‌ورزان علیه زنان.

۵ـ محدود ساختن صدور اجازه‌نامهٔ حمل سلاح برای افراد.

٦ـ به محاکمه کشانیدنِ افرادی که مرتکب جرم شده و از طرف مَراجع قانونی، مورد پیگرد قرار نگرفته‌اند.

۷ـ اصلاحات بنیادی در بخش چه‌گونه‌گی اسناد ملکیت، توزیع اسناد جدید، ایجاد دیتابیس و هم‌سان‌سازی اطلاعات در تمامی دوایر دولتی.

۸ـ برخورد شدید با افرادی که به‌صورت غیرقانونی سلاح گرم‌وسرد حمل می‌کنند و باعث بی‌نظمی و اخلال امنیت می‌شوند. (به‌ویژه افراد ول‌گرد و بداَخلاق)

۹ـ ایجاد لایحهٔ مشخص استفاده از محلات در شهرها جهت فعالیتَ‌های سیاسی، مذهبی، تجاری و غیره.

بخش فرهنگی

متأسفانه چندین دهه جنگ باعث شد که تولیدات فرهنگی صدمه ببینند و شرایط احیای دوبارهٔ آن‌ها نیز مهیا نگردد و مردم هم اکثراً مصروف پیشبرد زنده‌گی مشقت‌بارِ خویش شوند. هم‌چنین، مرحلهٔ تاریک و سیاهَ طالبانی، باعث نابودی بسیاری از نشانه‌های فرهنگی ما شد، مثل بت بامیان و برخی آثار موزیم کابل.

فرهنگ و اندیشه، غذای ملت‌هاست و همان‌قدر که فرهنگ و اندیشه غنا یابد، به همان اندازه بیداری فکری ایجاد می‌گردد و به همین علت اَست که ما برنامهٔ وسیع انکشاف فرهنگ را باید در سراسر جامعه به‌راه اندازیم.

۱ـ ایجاد خانهٔ فرهنگ در تمامی ولایات افغانستان که شامل کتاب‌خانه، موزیم، نمایشگاه و حجرهٔ هنرمندان می‌باشد.

۲ـ دایر نمودن فستیوال‌های هنری بین‌المللی به‌خصوص در بخش موسیقی و سینما.

۳ـ اعطای جایزه‌های سالانه در ساحات مختلف به بهترین شاعر، نویسنده، موسیقی‌دان، سراینده، روزنامه‌نگار، نقاش و غیره.

٤ـ توسعهٔ آزادی مطبوعات و اصلاحات در بخش حق استفاده از رسانه‌های تصویری.

۵ـ ساخت و یا احیای مجدد نمایشگاه‌های بزرگ هنری در شهرهای بزرگ، تا هنرمندان هنرنمایی کنند.

٦ـ به‌راه انداختن طرح ملی جهت تشویق و انکشاف هنر و تخنیک هنر سینما، و ایجاد مکتب آموزش هنر و ایجاد صندوق معاونت هنرمندان.

۷ـ تعیین و مشخص ساختنِ هفته‌های شعر و ادبیات، موسیقی، هنر سینماَ، هنرهای زیبا و تکنالوژی معلوماتی.

۸ـ معاونت مالی برای چاپ مجله‌های تخصصی (اقتصادی، تکنالوژی معلوماتی، ساینس، زمین‌شناسی و حفظ محیط زیست و باستان‌شناسی)

۹ـ حفاظت و نظارت محلات تاریخی و باستانی و ایجاد دیتابیس جهت شناخت بهتر این آثار.

۱۰ـ طرح پلان جامع جهت باارزش ساختنِ موزیم‌های ولَایات و جلب‌وجذب مردمَ تا از موزیم‌های‌شان دیدار کنند و با تمدن گذشتهٔ‌شان آشنا شوند.

بخش دوم و پایانی

عشق ممنوع و عشق مجاز!

آدم درستی باش!

بیشتر از این‌که به دنبال زمانی مناسب برای عاشق شدن و تشکیل زنده‌گیِ مشترک باشید و ذهن‌تان را درگیر پیدا کردنِ یک فرد ایده‌آل برای ازدواج کنید، این نکته را در ذهن‌تان بسپارید که تا زمانی که شَما درست عمل نکنید و فرد ایده‌آلی نباشید، فرد مناسبی برای شما پیدا نخواهد شد. بیشتر ما به دنبال این هستیم که دیگران چه چیزی به ما می‌دهند. ما همیشه به این فکر می‌کنیم که وقتی زمانِ درستِ عشق ورزیدن رسید و شخص مورد علاقهٔ‌مان را برای ازدواج پیدا کردیم، چهَ چیزهایی از سوی عشق‌مان در انتظار ما است، اما هرگز به این فکر نمی‌کنیم که ما در این عشق قرار است چه کارهایی را برای عشق‌مان انجام دهیم. این‌که همیشه به دنبال دریافت خدمت باشیم و خودمان دست روی دست بگذاریم، کار درستی نیست و حتا با وجود زمانِ درست و شخص مناسب، عشق خوبی در انتظارمان نخواهد بود. اگر چیزی ندهید، نمی‌توانید چیزی هم دریافت کنید.

دلیل درست، زمان درست

تنها انتخاب زمان مناسب و فرد مناسب برای عاشق شدن و ازدواج کافی نیست، بلکه مهم‌ترین موردی که باید در عاشق شدن در نظر گرفت، دلیل قابل قبولی است که شما به‌خاطر آن عاشق می‌شوید و ازدواج می‌کنید. بگذارید این موضوع را دوباره با مقایسه‌یی بین عشق در سنین پایین و در سنین بالا برای‌تان توضیح دهیم. یکی از دلایلی رایج عاشق شدن و ازدواج در سنین پایین، احساس تنهایی است و افرادی که مثلاً در سنین ۱٦ تا ۲۰ ساله‌گی دلباختهٔ کسی می‌شوند و با او ازدواج می‌کنند، به دنبال پر کردنِ خلای تنهایی خود هستند و این دلیل خوبی برای علاقه‌مند شدن به او نیست؛ چون بهَ تدریج علاقهَ جای خود را به سردی خواهد داد. در این دورهٔ زمانی افراد به جای این‌که بعد از شناخت طرف مقابل‌شان، عاشق و دلباخته‌اش شوند، در عوض ابتدا عاشق او می‌شوند و به تدریج او را می‌شناسند. به همین دلیل چون عشق قبل از شناخت شکل گرفته، حتا اگر فرد عاشق ویژه‌گی‌های بدی را در فرد مورد علاقه‌اش ببیند، اصلاً به چشمش نمی‌آید و به اصطلاح ساده‌تر «کور و کر می‌شود».

اما در سنین بالاتر این موضوع کاملاً برعکس است. عشق در افرادی که به دلیل سن بالا، پخته‌گی و تجربهٔ بیشتری دارند، خیلی منطقی‌تر و قابل قبول‌تر است. افراد در سنین بالاتر بعد از این‌که به شناخت کافی از فرد مورد نظرشان رسیدند، دلباختهٔ او می‌شوند و این نوع علاقه، روز به روز با شناخت بیشتر، بهتر و عمیق‌تر می‌گردد. اما گاهی اوقات دلیل عاشق شدن و ازدواج‌های سریع و بدون شناخت، خواسته‌های غلطی است که هم در سنین پایین این موضوع صدق می‌کند و هم درِ سنین بالا. عده‌یی عاشق می‌شوند، چون دوست دارند با آن‌ها به خوبی رفتار شود. آن‌ها دوست دارند عشق خود را برای دیگران توصیف کنند و از توجه دیگران برخوردار شوند. مراقب باشید که دلیل درستی برای عاشق شدن بیابید، چون در غیر این صورت، عشق چیزی جز تنفر برای‌تان باقی نمی‌گذارد.

پول واقعاً مهم نیست؟

گاهی اوقات به سن قابل قبول و منطقی برای عاشقی و ازدواج رسیده‌اید و از همه لحاظ خودتان را آمادهٔ عشق ورزیدن و تشکیل یک زنده‌گی مشترک می‌دانید؛ اما هنوز دیدگاه درستی از اطراف ندارید. شما برای عشق و انتخاب همسر ایده‌آل‌تان نیاز به تجربه دارید و این تجربه با نگاه به تجربه‌های دیگران تا حدودی به‌دست می‌آید، ولی باز هم نسبی است و نمی‌توان تنها روی آن‌ها تکیه کرد. در سنینی خاص وقتی به پول فکر می‌کنید، آن‌قدر غرق در عشق هستید که این موضوع را کاملاً بی‌اهمیت فرض می‌کنید و اگر سنی داشته باشید که تجربهٔ شکست مالی را داشته باشید، به خوبی می‌دانید که ازدواج بدون پول هیچ سرانجامی نخواهد داشت. این تجربه در سنین پایین به‌دست نمی‌آید و تنها با رشد اجتماعیِ فرد شکل می‌گیرد. با این‌همه بازهم نمی‌شود مانع عاشق شدن و تمایل افراد کم‌سن‌وسال برای ازدواج شد و افراد را به‌دلیل داشتن سن پایین، از عشق ورزیدن منع کرد؛ ولی دانستن تفاوت‌های عشق در سنین پایین و بالا، می‌تواند کمک زیادی به انتخاب‌های شما کند. این‌که حالا چه سنی دارید، مهم نیست؛ این‌که چه دلیلی برای علاقه‌مند شدن دارید و چه‌قدر آگاهانه این مسیر را برای انتخاب همسرِ مورد علاقهٔ‌تان انتخاب کرده‌اید، پایان خوب یا بد را برای‌تان رقم خواهد زد.

منبع: مجلهٔ تپش

رها در باد؛

روایتی از پشت صحنهٔ خلق و پرچم در افغانستان

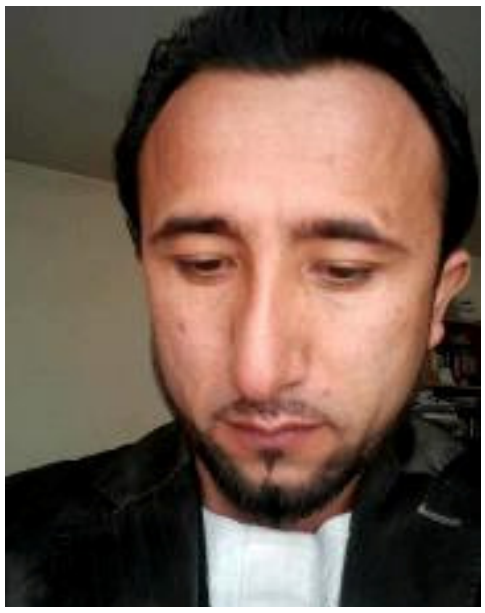

یعقوب یسنا

بخش سوم و پایانی

فرزندان در هنجارهای سنتی و شرقی، صریح به عاطفهٔ مادری پاسخ رد نمی دهند؛ اما هنجارهای فرهنگی و اجتماعی مدرن و غربی برای فرزندان این امکان را فراهم می کند که پاسخ عاطفی مادر را بی‌پاسخ بگذارند و برای مادر هم این بی‌پاسخ گذاشتن، زیاد حیرت‌انگیز نیست. ولی برای مادری که با هنجارهای شرقی زیسته است، این بی‌پاسخ گذاشتن، حیرت عاطفی را به همراه خواهد داشت و باعث تخریب سیستم عاطفیِ مادر خواهد شد. ثریا در فرهنگ غرب، دچار همین تخریب عاطفی روانی می شود. خوش‌بختانه این تخریب عاطفی روانی، طوری بازسازی می گردد که ثریا به نوشتن پناه می برد تا حضور و زنده‌گی اش را در این جهان، توجیه و تنهایی اش را با نوشتن پُر کند.

آنیما و آنیموس؛ نوستالژیای راوی

زمان می گذرد، بسیاری چیزها دست‌خوش تغییر و تحول می شوند. مرگ، آدم های زیادی را که ثریا می‌-شناخت، نابود می کند. میر اکبر خیبر، داوود، تره کی، حفیظ‌الله امین کشته می شوند. ببرک کارمل می‌-میرد. نجیب و برادرش احمدزی به دار آویخته می شوند و چند روز از چوبهٔ دار آویزان می مانند. برج‌-های دوقلو در امریکا فرو می ریزد. احمدشاه مسعود در یک حملهٔ انتحاری از بین می رود.

جهانی که ثریا می شناخت، به نوعی پایان می یابد. آدم های که تأثیر منفی یا مثبت بر زنده‌گی ثریا گذاشته بودند، تقریباً نیست شده بودند یا از صحنهٔ قدرت و روزگار به حاشیه رانده شده بودند. دیگر همه چیز به بازیچه یی می مانند که چند روزی بودند و گذشتند. اما این همه، در آگاهی ثریا، به عنوان خاطره و یادآوری، سر از نو امکان ظهور می یابند. مردی زرنگ، نیرنگ باز، تشنهٔ سکس، پول و قدرت که دست از سر ثریا برنمی‌داشت، دیگر ظاهراً دست‌بردار شده و از جهانِ واقع محو شده بود؛ اما هنوز به عنوان یک حقیقت در خاطرهٔ ثریا حضور داشت. ثریا دیگر از میانه سالی گذشته و آن‌چنانی که خودش را می یابد، شخصیتی‌ست از نظر سیاسی و روانی محصول درگیری هایی که با نجیب‌الله داشته است.

احمدشاه مسعود مردی دیگر که فرشتهٔ رهایی ثریا از اسارت نجیب‌الله شد و ثریا همیشه در یاد و خاطره اش سپاس گزارِ اوست، او نیز از جهان واقع رخت بربسته اما در جهانِ یاد و خاطرهٔ ثریا برایش جهان حقیقیِ مهمی را باز کرده است و همواره، ثریا این مرد را به یاد می آورد.

پس از این‌همه پایان واقعیت ها، جهانی که روی دست ثریا مانده است، جهانی‌ست رو به گذشته که تنها در یاد و خاطره قابل تصور است. بنابرین ثریا دچار نوستالژیا می شود. و خودش را در میان دو مرد می‌-یابد که یکی‌اش نجیب‌الله است و دیگری، احمدشاه مسعود. این دو مرد برای ثریا به دو جهان تعلق می گیرد؛ جهانی کاملاً شر و اهریمنی که فرمان روای این جهان، نجیب‌الله است، و جهانی کاملاً خیر، نیکی و اهورایی که فرمان روای آن احمدشاه مسعود است. اما در این وسط، مردی دیگری هم وجود دارد به‌نام صدیق که به برزخ می ماند؛ ثریا دیگر او را دور انداخته است، و این موجود حتا در خاطرش هم نمی گذرد. در وسط این دو جهان یا دو مرد، زنی هست که در خاطر ثریا می گذرد؛ این زن خود ثریا است که دیگر به عنوان امر گذشته، در خاطرش وجود دارد.

در پایان کتاب، در خاطرِ ثریا یک مرد می ماند و یک زن؛ این مرد و زن تقریباً دو نمونهٔ آرمانی از زن و مرد است که به کهن الگوی ناخودآگاه جمعی یونگ، مانند است.

این زنِ بازمانده در خاطر راوی، اهمیت روانی یک آنیموس؛ و مردِ بازمانده در خاطر راوی، اهمیت روانی یک آنیما را پیدا می کند. این زن، گذشتهٔ خود راوی است که ثریا آن را در خاطرش به یاد می آورد و مرد، احمدشاه مسعود است که در دیداری به عنوان یک قهرمان در خاطر راوی مانده است.

ثریا بها از نوشتن این کتاب چه می خواهد؟ این کتاب چه اهمیتی دارد؟

در این بخش نوشتار که پایان نوشتار است، از درون جهان کتاب بیرون شده، با نگاهی بیرونی و غیرعاطفی به منظور نویسندهٔ کتاب از نوشتن این کتاب و به اهمیت تاریخی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ادبی کتاب، به کتاب رها در باد، پرداخته می شود.

تا هنوز هرچه گفته شد، به ثریا بها، نویسندهٔ کتاب، و به اهمیت بیرونی کتاب مربوط نمی شد، بلکه به جهان متن و به شخصیت های درون روایت ارتباط می گرفت که این شخصیت ها و این جهان متن با مولف و اهمیت بیرونی کتاب، چندان ارتباط نداشت؛ بیشتر برداشت یک خواننده و انتظارات یک خواننده بود که برای خودش، فهم ممکن را از شخصیت های درون روایت و از جهان متن ارایه می کرد؛ یعنی از خوانش های ممکن خواننده ها، فقط یک خوانش ممکن بود، که ارایه شد.

اکنون با نگاهی از بیرون به کتاب نگاه می شود و دریافت نسبتاً علمی از منظور نویسنده و از اهمیت کتاب ارایه می شود. زیرا آن‌چه که تاهنوز از کتاب گفته شد، به بُعد روایتی و داستانی کتاب پرداخته شده بود نه به پیامدهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کتاب. آیا ثریا بها خواسته است با نوشتن کتاب از نجیب‌الله و تعدادی انتقام بگیرد، برای آزار و اذیتی که ثریا بها و مردم از آنان دیده است؟... فکر نمی کنم چنین باشد؛ زیرا مرگ، انتقام از تعدادی انتقام گرفته است. مرگ در جایی که قانون و نظام سیاسی عادلانه نیست، آخرین عدالت انتقام جویانهٔ طبیعت است. بنابرین، ثریا بها در پی انتقام نه بلکه در پی ارایهٔ واقعیت هایی است که نمی خواهد این واقعیت ها برای مردم کشورش و جهانیان، همیشه پنهان بماند.

رولان بارت می گوید: نوشتن، جهیدن از مرگ و فراموشی به سوی هستی و جاودانه‌گی است. ثریا بها، استراتژی مبارزاتی اش را با بی‌عدالتی، فراموشی و از یاد رفتن، با نوشتن تغییر می دهد. می خواهد با نوشتن برای همیشه حتا برای وقتی که دیگر نیست هم، هم‌چنان مبارزه کند. بنابرین، با نوشتن مبارزه می کند در برابر فراموشی و نیستی، می خواهد در برابر مرگ خودش و در برابر هرچه که او را به خاموشی و خاموش شدن تهدید می کند، ایستاده‌گی کند و ایستاد شود.

انسان در برابر طبیعت، موجودی است کوچک که طبیعت آن را به بازی می گیرد؛ پس آدمی، برای طبیعت بازیچه یی بیش نیست. اما به برداشت سارتر، انسان با آگاهی یی که دارد، بزرگتر از طبیعت می شود؛ زیرا آن‌چه که طبیعت بر آدمی انجام می دهد، نمی داند؛ اما آدمی با آگاهی یی که دارد، می‌داند که طبیعت با او چه می کند؛ یعنی، سرانجام طبیعت آدم را محکوم به فنا، مرگ، نابودی و فراموشی می‌-کند، اما انسان با دانستن این همه، رنج طبیعت را بر خودش تحمل می کند. انسان برای این محکوم شدن در برابر طبیعت، فراتر از تحمل، استراتژی وضع می کند که این استراتژی به‌طور عام، هرگونه آفرینش و به طور ویژه، نوشتن است.

نوشتن، امری است که طبیعت نمی تواند با مرگ آدمی، آگاهی یی که از آدمی مانده است را نابود کند. نوشتن همیشه کسی را که نوشته است، یادبود می‌کند. در این صورت، طبیعت می تواند تن و جسم نویسنده را نابود کند، اما نمی تواند نام او را نابود کند؛ نام نویسنده همیشه در برابر طبیعت سرکش، هم‌چون آگاهی، باقی می ماند.

ثریا با مرگ دوستان و دشمنانش به این نتیجه می رسد که با نوشتن در برابر مرگِ خودش ایستاد شود و نگذارد که با مرگ فراموش شود؛ بنابرین، ثریا بها، با نوشتن این کتاب، از مظلومان یادبود می کند و ستم گران را می بخشد و به آینده گان هشدار می دهد که انسان با همهٔ ستم پیشه‌گی، محکوم به فنا و نابودی است، پس بهتر این است که فراتر از هر ایدیولوژی یی، با ایجاد سیستم های دموکراتیک و کارآمد سیاسی و اجتماعی، به انسان‌ها احترام بگذاریم و انسان بودن تنها در نظام سیاسی یی قابل تجربه است که فرد آدمی،آزادی عقیده و باور، و اختیار داشتن تن و جان و ارادهٔ خودش برایش ممکن باشد و از دیگری، برایش قابل درک و احترام باشد.

کتاب رها در باد با آن‌که روایت داستانی، ارایهٔ زبانی و ادبی دارد و در نوع ادبی اش، اتوبیوگرافیک یا خودزنده‌گی نامه نوشت است؛ اما به طور خاص، دستاوردی است از ارایهٔ تاریخ معاصر افغانستان که یک زن آن را با دریافت زنانه از تاریخ، قدرت و سیاست، ارایه کرده است.

کتاب، ارایهٔ چشم دید معتبر، از تاریخ سیاسی معاصر افغانستان به ویژه جریان خلق و پرچم است؛ این ارایه، تا بیرون تاریخ باشد، درون تاریخ است؛ یعنی این‌که: موقعیت سیاسی، خانواده‌گی و اجتماعی نویسنده، این فرصت را برای نویسنده فراهم کرده که نویسنده توانسته پشت صحنهٔ قدرت را ببیند که چه‌گونه ظاهر قدرت سیاسی در افغانستان شکل می گیرد. بنابراین، نویسنده ترجیح می دهد تا پشت صحنهٔ تاریخ و قدرت را بنویسد.

این کتاب نه تاریخ محض، بلکه پرده برداری از تاریخ‌سازی و ارایهٔ تاریخ بنا به منفعت قدرت هاست. امین، ببرک کارمل و دکتر نجیب‌الله به این باور بودند که تاریخ را آن‌چنان که ما می خواهیم ارایه و نوشته می شود؛ اما کتاب رها در باد در برابر این تصور تبلیغاتی، دغل‌بازانه و ریاکارانه از تاریخ، می‌ایستد و تاریخ را آن‌چنان که هست یا آن‌چنان که می تواند از چشم انداز آدمی که شریک قدرت نیست باشد، ارایه می کند.

کتاب، دارندهٔ سندهای معتبر است از کشته شدن شخصیت های سیاسی مخالف رژیم، پنهان کاری های قومی رژیم برای تأمین منفعت قومی از جمله: احصاییه و شمار نشدن دقیق مردم افغانستان، جعل سازی اصطلاح پشتونستان، تداوم جنگ و ناآرامی برای گِل آلود شدن وضعیت سیاسی و اجتماعی، تا تکه-داران قومی بتوانند از این فضای گِل آلود ماهی بگیرند.

کتاب، قدرت افشاسازی خیلی واقع بینانه دارد؛ زنده‌گی شخصیت های سیاسی خلق و پرچم، و از خودش را هم از نظر سیاسی و اجتماعی و از نظر خصوصی و شخصی، آفتابی می کند.

کتاب، معرفت ما را از تاریخ معاصر افغانستان به چالش می کشد، فهم ممکن روایت مردانهٔ ما را نیز از مفهوم تاریخ و ارایهٔ تاریخ دگرگون می کند، و فهم ممکن غیر از فهم مردانهٔ موجود را از مفهوم تاریخ و ارایهٔ روایت تاریخ، فرا روی ما می گذارد که این فهم از تاریخ و از ارایهٔ روایت از تاریخ، یک فهم زنانه از تاریخ است که تاریخ را به شیوهٔ داستانی در اتوبیوگرافیک نویسی ارایه کرده است؛ بنابرین این امر را در میان می گذارد که تاریخ را می توان غیر از ارایهٔ خطی و یک‌نواخت موجود نوشت و روایت کرد.

کتاب غیر از اهمیت تاریخی، سیاسی و فرهنگی‌اش، یک سند معتبر از نثر معاصر ادبیات پارسی دری در افغانستان است که ادبیات منثور را غنامندی ویژه بخشیده است؛ با یک دستی یی که در ارایهٔ زبان و توصیف دارد.

کتاب در هفت‌صد و شصت و چهار صفحه ارایه شده که تقریباً دوصد هزار کلمه می شود؛ یعنی از نظر داشتن واژه، برابر است با شاهنامهٔ فردوسی. بنابراین، یک فرهنگ لغت دوصدهزار واژه یی را از زبان معاصر ادبیات پارسی دری ارایه کرده است که نه تنها در ادبیات معاصر افغانستان، بلکه در قلمرو زبان و ادبیات معاصر ادبیات پارسی دری، اهمیت و جایگاه ویژه دارد؛ و با جمله بندی ها، توصیف ها و کلیت صورت و فرم زبان و متن؛ می‌تواند در آینده ، یک سند منثور تاریخی قابل ملاحظه از زبان و ادبیات پارسی دری باشد.

کتاب رها در باد را اگر نخستین اتوبیوگرافیک یا خودزنده‌گی نامه نوشت سیاسی- تاریخی- ادبی یک زن در قلمرو ادبیات پارسی دری ندانیم، دست‌کم در ادبیات پارسی دری و در ادبیات سیاسی و تاریخی افغانستان، نخستین کتاب در این زمینه با ویژه‌گی های خودش است.

کتاب با امکان های تاریخی، سیاسی، فرهنگی، فهم و معرفت زنانه، زنانه‌نویسی، توصیف های ادبی و ارایهٔ روایتی و داستانی، چشم اندازهای ممکن را فرا روی خواننده و پژوهش‌گر می گذارد. بنابرین با هر چشم انداز ممکن، می توان دیدی خاص به کتاب انداخت و موردی خاص را در کتاب به بررسی گرفت و ارایه کرد.

آن‌چه که در این نوشتار از کتاب ارایه شد، یک چشم انداز ممکن از نظر یک خواننده بود.

این نَوشتار، به نقل از ثریا بها از مارکز که کتاب رها در باد با آن آغاز می شود، پایان می یابد:

زنده‌گی آن‌چه زیسته ایم نیست؛
بلکه همان چیزی است که در خاطرمان مانده
و آن‌گونه است که به یادش می آوریم
تا روایتش کنیم.

ناامن‌سازی شمال پروژهٔ سیاسی– انتخاباتی است

معین فرزاد

نماینده‌گان بدخشان در مجلس می‌گویند که شماری از حلقات دولتی در تلاش هستند که «گروه طالبان را یک جریان مردمی و سرتاسری» نشان بدهند، از همین‌رو ناامنی را در شمال افغانستان دامن می‌زنند.

در ماه‌های اخیر ولایت بدخشان که یکی از پایگاه‌های اصلی مقاومت برضد طالبان بود، به شدت از سوی نیروهای مخالف مسلح دولت ناامن شده بود.

در نتیجهٔ ناامنی‌های اخیر در این ولایت، به شمول ۲۱ سرباز ارتش ده‌ها تن کشته و زخمی شده‌اند.

نیروهای امنیتی در شمال کشور، اخیراً حلقات استخباراتی بیرون کشور را در سمت‌وسودهی و رهبری نبردهای طالبان در برابر نیروهای امنیتی، متهم کردند.

اما نماینده‌گان بدخشان می‌گویند که نا امنی در شمال و به ویژه در ولایت بدخشان، پروژه‌یی است که از سوی حلقاتی در درون دولت رهبری می‌شود.

امان‌الله پیمان، نماینده بدخشان در مجلس می‌گوید: در ناامنی‌های شمال به ویژه ولایت بدخشان برخی حلقات دولتی دست دارند؛ آن‌ها می‌خواهند ولایاتی را که مثل بدخشان در گذشته پایگاه مهم مقاومت بود، ناامن بسازند.

به گفتهٔ این نمایندهٔ بدخشان، شماری از حلقات وابسته به ارگ ریاست‌جمهوری، برنامه دارند که ناامنی‌ها را به نحوی در افکار عامه، ملی و مردمی جلوه دهند.

او در عین حال می‌افزاید، برخی از چالش‌های امنیتی ناشی از ضعف مدیریتی مقام‌های محلی است که عدهٔ از مقام‌های مسوول، توان مدیریت و مهار بحران امنیتی را در بدخشان ندارند.

او گفت، نباید فراموش کرد که شماری از ناراضیان، مجاهدین هستند؛ آن‌ها در سال‌های اخیر دست‌کم گرفته شده‌اند و یا هم هیچ‌گونه توجهی به سرنوشت‌شان نشده که آن‌ها در برابر دولت عَلم مخالفت بلند کرده‌اند.

این نمایندهٔ مجلس می‌گوید: «یکی از دلایل ناامنی در افغانستان این است که حکومت آقای کرزی مسایل قومی و طالبانی را در سطح کشور دامن زده و گسترش می‌دهد؛ آقای کرزی می‌خواهد نشان بدهد که طالبان متعلق به یک منطقه و قوم خاص نیستند.»

او هم‌چنان گفت، دولت در برخی مناطق می‌خواهد برنامه‌ریزی شده نیروهای ضد دولتی را تشکیل دهد و بعد بگوید که این مشکل در سطح افغانستان است.

آقای پیمان تصریح کرد: «ناامن‌سازی شمال به ویژه بدخشان بر می‌گردد به حلقهٔ ریاست‌جمهوری؛ آن‌ها وضعیت را در این ولایت مشتنج ساخته‌اند.»

او گفت طالبانی که توسط نیروهای دولتی دستگیر شده‌اند، دولت بارها آن‌ها را رها کرده و یا به نحوی فرارشان داده است؛ در مجموع ناامنی و بحران امنیتی افغانستان ناشی از بی‌کفایتی مقام‌های حکومتی و در رأس رییس‌جمهور کرزی می‌باشد.

او افزود، دولت در یک دههٔ گذشته نتوانست از امکانات موجود استفاده کند؛ اگر از فرصت‌ها و امکانات استفادهٔ بهینه صورت می‌گرفت، امروز مردم از این بحران عبور می‌کردند

در این حال، فوزیه کوفی نمایندهٔ بدخشان در مجلس می‌گوید، ناامن‌سازی شمال یک پروژه است؛ برخی از حلقات دولتی برنامه دارند، طالبان را یک جنبش مردمی نشان دهند که گویا آن‌ها در دورترین ولایت‌ها نفوذ دارند.

بانو کوفی می‌گوید، تنها ولایتی که در دورهٔ مقاومت توسط طالبان اشغال نشده بود، بدخشان بود؛ اکنون حلقات خاص می‌خواهند این ولایت را ناامن کنند.

به گفتهٔ این نمایندهٔ مجلس، ضعف مدیریتی مقام‌های محلی، نادیده گرفتن برخی از گروه‌ها در حکومت محلی بدخشان، از عوامل دیگر نا امنی در بدخشان است.

او هم‌چنان گفت: حتا در بیرون از این ولایت، کسانی که در دورهٔ مقاومت در برابر طالبان و شبکه‌های تروریستی مبارزه کردند؛ باتأسف آن‌ها به حاشیه رانده شدند و هیچ سهمی در حاکمیت ندارند.

این نمایندهٔ مجلس می‌گوید، ناامن‌سازی بدخشان، ریشهٔ انتخاباتی دارد؛ حلقات خاص دولتی با نزدیک‌شدن انتخابات می‌خواهنَد مناطق امن را که گروهای اپوزیسیونی در آن رأی زیاد دارند، همزمان با برگزاری انتخابات ناامن سازند.

او گفت: «انگیزهٔ اصلی ناامن‌سازی شمال، انتخابات سال پیش‌رو است؛ هم اکنون دولت زیر نام پولیس محلی حلقات مربوط به خود را در شمال کشور مسلح می‌سازد، تا در انتخابات سال ۲۰۱٤ بر اثر فشار سلاح، تهدید و توهم، آرای مردم را به کسانی که کاندیدای حکومت هستند، به دست آورند؛ آن‌ها پیش از پیش، زمینهٔ تقلب را مساعد می‌سازند.»

در این حال، جنرال امام‌الدین مطمین فرمانده امنیهٔ بدخشان می‌گوید، پس از عملیات گستردهٔ نیروهای امنیتی در ولسوالی وردوج، طالبان به کوه‌ها متواری شده‌اند.

او گفت، فعلاً وضعیت به صورت کل در بدخشان به ویژه در ولسوالی وردوج خوب است؛ در عملیات‌ها، به طالبان آسیب جدی وارد شده و شماری از آنان کشته و یا زخمی شده‌اند.

فرمانده امنیهٔ بدخشان گفت که اکنون طالبان توان هیچ‌گونه تحرک و یا مقاومتی را در برابر نیروهای دولتی ندارند.

نیروهای افغان توان...

وی با تحسین از رشد نیروهای افغان از نگاه کمی و کیفی، بیان داشت که نیروهای امنیتی افغان توانایی تأمین امنیت کشور خود را دارند.

رییس ستاد مشترک ارتش امریکا که روز شنبه در یک سفر غیرمنتظره وارد کابل شد، بر ادامهٔ کمک‌های واشنگتن به افغانستان تأکید کرد.

هدف از سفر این مقام ارشد امریکایی به افغانستان، گفت‌وگو با مقامات افغان در خصوص پیمان امنیتی کابل– واشنگتن و حضور نظامیان امریکایی پس از سال ۲۰۱٤ در افغانستان گفته شده است.

دمپسی قبل از ورود به کابل، اعلام کرد که نباید در خصوص حضور تعداد نظامیان امریکایی پس از سال ۲۰۱٤ در افغانستان، عجله کرد.

در همین حال، موریس یوخیمز نماینده غیرنظامی ناتو نیز با اشاره به این در حال حاضر۸۰ درصد عملیات‌ها در افغانستان توسط نیروهای افغان انجام می‌شود، افزود: مأموریت نظامی ناتو در افغانستان، کمتر از ۲ سال دیگر به پایان می‌رسد.

وی تصریح کرد: نیروهای افغان اکنون مسوولیت تأمین امنیت ۷۸ درصد خاک افغانستان را برعهده دارند و در مناطقی که روند انتقال در آن تکمیل شده است شاهد افزایش امنیت و کاهش خشونت‌ها هستیم.

لازم دانسته شده نام...

گفت، توزیع شناسنامه‌های برقی در ماه میزان سال جاری در سراسر افغانستان آغاز خواهد شد. اما شماری از نماینده‌گان مجلس می‌گویند که بحث گنجانیدن و ذکر قومیت قبلاً حل شده و باید وزارت داخله در شناسنامه‌های برقی طبق فیصله، هویت کامل افراد را بگنجاند.

سید جمال‌الدین فکوری بهشتی عضو مجلس نماینده‌گان گفت، وزیر داخله قبلاً گفته بود که هر شهروند افغانستان می‌تواند نام قوم خود را در این شناسنامه‌ها ببینند.

وی تأکید کرد، اگر هویت در شناسنامه‌ها مخفی نگهداشته شود، واکنش مجلس در برابر این قضیه تا زمان حل آن شدید خواهد بود.

به باور او، با توجه به فرصتی که وجود دارد، امکان توزیع شناسنامه‌های برقی بعید به نظر می‌رسد و ممکن که این برنامه عملی نشود.

به گفتهٔ او، اگر در ولایاتی که شناسنامه‌های برقی توزیع می‌شود، از کارت‌های رأی‌دهی استفاده نشود، یقیناً انتخابات شفاف خواهد بود؛ در غیر آن، ما شاهد یک انتخابات شفاف نخواهیم بود.

در این حال، بانو ذکیه سنگین نمایندهٔ پروان در مجلس می‌گوید، در اوایل چنین مطرح بود که این شناسنامه‌ها تنها به دو زبان پشتو و انگلیسی نوشته شود، اما نماینده‌گان اعتراض کردند و زبان پارسی دری هم به آن اضافه شد.

او گفت، در بارهٔ ذکر قوم در شناسنامه‌ها نیز قبلاً نماینده‌گان با وزارت داخله بحث‌هایی داشتند و وزارت داخله گفته بود که این موضوع در داخل چپ جاسازی خواهد شد، اما گنجانیدن نام قوم در داخل چپ درست نیست و باید در شکل ظاهری شناسنامه‌ها نیز گنجانیده شود، تا روشن شود که افغانستان دارای چند ملیت، قوم و زبان است.

این عضو مجلس نماینده‌گان گفت، هرچند حکومت در تلاش توزیع این شناسنامه‌ها در سراسر افغانستان است، اما این امکان وجود ندارد و ممکن است این پروسه ناکام شود.

او تأکید کرد، چون حکومت اعلام کرده که از این شناسنامه‌ها به هدف رأی‌دهی در انتخابات استفاده خواهد شد، بنابراین ممکن است اهدافی در پشت این قضیه نهفته باشد.

او افزود، شاید یک شخص در یک ولایت از شناسنامهٔ برقی در انتخابات استفاده کند و در ولایت دیگر از کارت رای‌دهی؛ بنابراین چنین به نظر می‌رسد که انتخابات پیش‌روی یک انتخابات شفاف نخواهد بود.

طالبان صلح‌طلب...

راه نظامی در افغانستان دوباره به قدرت برسند».

صلح بدون پاکستان

به باور مقام‌های دولت افغانستان رهبران طالبان در پاکستان به سر می‌برند؛ و زمینه برای گفت‌وگو با آن‌ها زمانی میسر می‌شود که حکومت پاکستان به صورت صادقانه با پروسه صلح همکاری کند. افغانستان و پاکستان در سه سال اخیر گفت‌وگوهایی در سطح رهبران و مقام‌های بلند پایه داشته اند تا زمینه صلح را فراهم کنند.

ولی پس از آن که تلاش‌های افغانستان از این طریق به نتیجه‌یی نرسید، مقام های حکومت افغانستان هشدار دادند که پروسه صلح را بدون حضور پاکستان و از راه‌های دیگری به پیش خواهد برد.

آقای موسی‌زی گفت تلاش‌ها برای زمینه‌سازی صلح همچنان ادامه خواهد یافت: «تلاش‌هایی که با جمهوری اسلامی پاکستان و در سطح منطقه صورت می‌گیرد، تمامش به این هدف صورت می‌گیرد که این رهبران طالبان احساس امنیت و مصونیت کنند و بتوانند با شورای عالی صلح مستقیماً در تماس شوند».

حکومت افغانستان تصمیم دارد پس از این پروسه صلح را از طریق دفتر طالبان در قطر به پیش ببرد.

رییس جمهور کرزی اخیرا طی سفری به آن کشور با مقام های قطری گفت‌وگو کرد.

به دنبال این سفر، حکومت افغانستان گفت که دو کشور بر سر گشایش دفتر طالبان در قطر گفت‌وگو کرده اند و شرط حکومت افغانستان نیز در این مورد واضح شده است. شرط دولت افغانستان این است که طالبان از دفتر قطر برای جمع‌آوری پول و مقاصد سیاسی استفاده نکند و این دفتر یگانه هدفش پیشبرد مصالحه باشد.

اگر عنوان کتابی غلط باشد...

حافظ عبدالقیوم یک عضو مجلس سنا گفت: از همه بیشتر نگران‌کننده برای ما، مساله‌یی بود که یکی از سناتوران تصویری نشان داد؛ در عناوین دو کتاب، به جای جیالوژی، جیولرجی نوشته شده بود و به عوض اجتماعیات، اجمتاعیات نوشته گردیده بود.

همچنان، مولوی محمود دانشجو عضو دیگر این مجلس گفت: بیشتر کتاب‌ها در حاشیه و متن غلطی داشته و حتا عنوان آن‌ها هم اشتباه است که باید مرفوع گردد.»

اما وزیر معارف این اظهارات سناتوران را به شدت رد می‌کند.

آقای وردک در پاسخ به این انتقادها گفت: برخی حلقات می‌خواهند، از طریق انترنت و شبکه‌های اجتماعی بر ضد وزارت معارف تبلیغات سوء کند.

او گفت که این تبلیغات سوء به وسیلهٔ کسانی صورت می‌گیرد که در گذشته در سوختاندن مکاتب و مسموم کردن شاگردان دست داشتند.

او تصریح کرد: «این‌ها کسانی هستند که مکاتب را آتش می‌زدند، در ولایت قندهار به روی دختران تیزاب پاشیدند و سال گذشته دو هزار شاگرد را مسموم ساختند. آنان به این کارها اکتفا نکرده و به اختطاف و کشتار مأموران معارف پرداختند. حالا کوشش می‌کنند که از طریق شبکه‌های اجتماعی انترنتی مانند فیسبوک تبلیغات زهرآگین و دور از حقیقت را پخش کنند. همچنان، به توطیه‌ها، تهدیدها و دسیه‌ها آغاز کرده اند.»

وزیر معارف گفت که اگر از سوی وزارت معارف، نام کدام کتابی غلط چاپ شده باشد، وی حاضر است، از سمتش استعفا بدهد.

در این حال، وزیر معارف تعهد کرد که در بخش حل مشکلات معارف تلاش می‌کند و تا دو سال دیگر برای دو میلیون کودک که در حال حاضر از رفتن به مکتب محروم هستند، زمینهٔ آموزش را مساعد خواهد ساخت.

آقای وردک همچنان گفت: در جریان سال روان حدود یک و نیم میلیون کودک در مکاتب جذب خواهند شد و نزدیک به ٦٥٠ موسسهٔ جدید تعلیمی نیز اعمار خواهد شد.

۱۱ کودک فرماندهان...

حال، واصف الله واصفی سخنگوی والی کنر گفت که این عملیات روز شنبه توسط نیروهای امنیتی افغان و به همکاری ناتو سازماندهی شد که در نتیجه آن یازده عضو گروه طالبان کشته و بیش از ده تن دیگر زخمی شدند.

آقای واصفی گفت که در این عملیات چهار افسر اداره امنیت ملی نیز زخمی شده اند که وضعیت آن‌ها وخیم گزارش شده است. همچنین گزارش شده که یک سرباز امریکایی هم در عملیات روز گذشته در کنر جان باخته است.

نیروهای بین‌المللی گفته اند که در این عملیات یک کارمند غیرنظامی امریکایی کشته شده و نیروهای هوایی آنها به درخواست قوای ایتلاف، در عملیات سهم گرفتند.

دین آینرت، یک سخنگوی آیساف گفت: «ما می‌دانیم که چندین شورشی کشته شده‌اند. ما همچنین اطلاع داریم که در این حمله غیر نظامیان زخمی شده اند، اما به تازه‌گی اتهام کشته شدن غیر نظامیان نیز مطرح شده است. آیساف موضوع تلفات غیر نظامیان را بسیار جدی می‌گیرد و در حال حاضر مشغول بررسی جزییات بیشتر این حادثه هستیم.»

وزارت امور داخله افغانستان نیز با پخش خبرنامه‌یی از کشته شدن ٦ تن به شمول دو فرمانده طالبان در روستای «سنو دره» از مربوطات ولسوالی شیگل ولایت کنر خبر داده اند.

وزارت داخله می‌گوید که در این عملیات دو فرمانده طالبان به نام های گل‌رئوف و علی‌خان به همراه چهار همکار دیگرشان کشته شده اند. وزارت داخله تایید می‌کند که در این رویداد سه پسر علی‌خان فرمانده طالبان محلی نیز کشته شده اند.

در خبرنامه وزارت داخله آمده است که این دو فرمانده محلی طالبان بیشتر فعالیت‌های هراس افگنی را سازماندهی می‌کرده اند که با کشته‌شدن آنها وضعیت امنیت ولسوالی شیگل کنر بهبود خواهد یافت.

ولایت کنر در شرق کشور از ولایاتی نا امنی است که افغانستان را از طریق خط دیورند با پاکستان وصل می‌کند.

در وضعیت موجود افغانستان کابل و واشنگتن مقصر اند

موافقتنامهٔ بن در دسمبر ۲۰۰۱ ارادهٔ جامعهٔ جهانی را برای پایان بخشیدن جنگ غم انگیز و ترویج مصالحهٔ ملی، صلح و ثبات پایدار و احترام به حقوق بشر در افغانستان اعلام کرد. با گذشت بیشتر از یک دهه، افغانستان هنوز هم با چالش‌های بزرگی دست و گریبان است. هرچند دسترسی به خدمات صحی و آموزشی بهبود یافته است، حکومت مرکزی در کابل به پیمانهٔ زیاد آلوده به فساد و عاری از قابلیت برای ادارهٔ کشور باقی مانده است.
از سوی دیگر، نیروهای امنیتی افغان به پیمانهٔ زیاد مرتکب بدرفتاری شده و دستخوش انقسام‌های درونی گردیده است. طالبان و سایر گروه‌های شورشی هنوز هم به مثابهٔ تهدید بزرگی برای افغانستان پنداشته می‌شوند.
ماموریت ساختن یک دولت کارآ در افغانستان و زدودن تندروان بومی، به یک مبارزهٔ پرخرج و زمانگیر با درگیرشدن شمار بیش از حد نیرو مبدل شد، در حالی که هدف ایالات متحده از جنگ در افغانستان مبارزه با دهشت افگنی یا روشن‌تر، از کار انداختن القاعده و توبیخ طالبان بود.
چه نا درستی در کار بود؟ آیا قانون گذاران امریکایی در پاییز ۲۰۰۱ کدام کاری را به گونهٔ متفاوت انجام دادند؟ آیا مقام‌های ایالات متحده این ماموریت را به سمت پیمان بزرگ بازسازی مدنی و مساعدت‌های درازمدت انکشافی جهت دادند؟ آیا نمی‌شد که ایالات متحده بدون حضور گسترده برای ملت سازی، به هدف امحای القاعده دست می‌یافت؟

آزمون‌های بزرگ
راجیف چندراس کرن، گزارشگر ارشد و ویراستار در روزنامهٔ واشنگتن پست و نویسندهٔ کتاب «جنگ در درون جنگ برای افغانستان» حکومات کابل و واشنگتن را شریک وضعیت موجود در افغانستان می‌داند. او می‌گوید که یکی از عوامل عمدهٔ مشکلات در افغانستان قانون اساسی آن کشور است که همه صلاحیت‌ها را در اختیار رییس جمهور قرار می‌دهد.
آقای چندراس کرن اضافه می‌کند که ایالات متحده به زعم خود شریک وضعیت کنونی در افغانستان است، زیرا می‌توانست با نفوذی که در آن زمان داشت افغان‌ها به تغییر و تعدیل قانون اساسی کنونی آن کشور وادار سازد و یک قانون حامی حکومت غیر مرکزی را جاگزین آن کند.
آقای چندراس کرن به روزهای نخست جنگ در سال ۲۰۰۲ اشاره می‌کند که در آن زمان حامد کرزی، رییس‌جمهور افغانستان خواستار افزایش شمار نیروهای ناتو در ولایت‌های افغانستان شد تا از آن طریق حکومت بر نفوذ گروه‌های شورشی چیره شود و یک حکومت تکنوکرات به میان آید.
او می افزاید که در بخش مساعدت‌های ملکی، ایالات متحده بیشتر از ظرفیت جذب افغانستان، کمک‌های مادی را به آن کشور سرازیر ساخت، اقدامی که به گفتهٔ وی دامنهٔ فساد را گسترده تر ساخت.
اما جیمز دبینس، رییس مرکز امنیت بین‌المللی و سیاست دفاعی در نهاد پژوهشی رند و نمایندهٔ ایالات متحده در کنفرانس نخست بن برای افغانستان با نگاه کاملاً متفاوت می‌گوید که ایالات متحده منابع ناکافی را برای افغانستان اختصاص داد. او اضافه می‌کند که پس از سال ۱۹٤٥ ایالات متحده کمترین سویهٔ منابع را برای بازسازی پس از جنگ، به افغانستان اختصاص داده است.

تکرار تجارب ناکام
آقای دبینس می‌گوید که وضعیت کنونی افغانستان را نباید با آرزومندی‌ها بلکه با آنچه مقایسه کرد که یازده سال پیش جریان داشت. اما او نیز وجود کنش‌های نادرست را تایید کرده می‌گوید که با وصف تجارب ناکام ایالات متحده در زمینهٔ ملت سازی به گونهٔ مثال در سومالیا، ویتنام و بوسنیا این اشتباه بار دیگر در افغانستان تکرار می‌گردد.
از رهگذر استراتیژی، دبینس در حاشیه قرار گرفتن کشورهای همسایه را نیز به عنوان سدی بر سر راه تلاش‌های ایالات متحده در افغانستان تلقی می‌کند. او استدلال می‌کند که باید کشورهای همسایه نه تنها در بخش حفظ صلح بلکه در جنبه‌های سیاسی نیز دخیل ساخته می‌شد.
آقای دبینس اضافه می‌کند که در سال‌های نخست، پاکستان از پشتیبانی طالبان دست کشید و ایران نیز در ائتلاف جهانی از در همکاری با افغانستان پیش آمد، اما به باور وی سیاست‌های نادرست ایالات متحده سبب شد تا پاکستان دوباره حامی طالبان شود و همکاری تهران با جامعهٔ جهانی برای ایجاد صلح و ثبات در افغانستان رنگ ببازد.
جیمز دبینس می‌گوید که دلیل عدم ازیاد نیروهای در سالیان نخست جنگ این بود که واشنگتن می‌خواست با حضور کمتر نظامی، خود افغان‌ها را به تحرک انداخته و سبب شود تا آنها به زودی به مرز خود کفایی برسند.
جیان جنتایل، افسر ارتش ایالات متحده و آموزگار در اکادمی نظامی وست پاینت امریکا می‌گوید که دلیل دخالت ایالات متحده در جنگ افغانستان که همانا مبارزه با دهشت افگنی بود، از آغاز روشن بود. به باور این نظامی، استراتیژی ایالات متحده در نفس خود مشکل بزرگی نداشت، اما مشکل عمده روشی بود که با آن جنگ به پیش رفت و تلاش‌ها در جهت ملت سازی سوق یافت.
این همه چالش در حالی وجود دارد که افغانستان در آستانهٔ دو روند عمدهٔ انتقال قرار دارد. یکی انتقال کامل امنیتی از نیروهای بین المللی به سربازان افغان و دوم انتقال سیاسی از حکومت کرزی به حکومتی که انتخابات سال ۲۰۱٤ آن را مشخص خواهد ساخت.

از لابه‌لای صفحات فیس‌بوک

مســعود؛ قوی‌تر از دولتِ موجود و حامیان بین‌الَمللی‌اش

احمد ذکی

مسعود ناتو نبود، مسعود امریکا نبود، مسعود اروپا نبود، مسعود آسیای هم‌پیمانِ ناتو نبود، مسعود صد میلیارد دالر در اختیارِ نداشت، مسعود حمایت جامعهٔ جهانی در قبال افغانستان را نداشت، مسعود حمایت استخباراتی و ۳۰۰ هزار مسلح ٤۳ کشور مدرن و سرمایه‌دار غربی را با خود نداشت، مسعود نه تنها یک قاره را هم در کنار نداشت، بلکه از نظر اراضی، سه بر چهار حصهٔ کشور در کنترولش نبود، مسعود پارلمان و سنا نداشت، مسعود هر آن‌چه که دولت امروزی در اختیار دارد، حتا سایه‌اش را هم نداشت؛ اما مسعود انگیزهٔ دفاع از وطن و هنرِ تربیتِ افرادِ وطن‌دوست را در سطح کشورَ و در میانِ همهٔ اقوام داشت و دستاوردش نیز در مبارَزه با تروریسم جهانی، به مراتب چشم‌گیرتر از دستاورد امروزِ این مبارزه در موجودیتِ این‌همه امکانات بود.
مسعود با وجود تمام مشکلات فنی و ابزاری، توانسته بود طالبان رَا در اذهانِ عامه منزوی سازد و اگر تقدیر یک سالِ دیگَر به او مهلت می‌داد، به یقین که گروهَ طالبان در همان خاستگاهِ خودش توسط مردم نابود می‌شد.
ولی امروز با موجود این امکانات گسترده، طالبان حتا در غیاب اسامه بن‌لادن، امنیت را در سطح کشور به چالش کشیده و دولت را با مشکلات جدیِ امنیتی و سایر معضلاتِ منشعب از آن مواَجه ساخته‌اند.
اکنون پرسش این‌جاست که چه‌طور مسعود در برابر تروریسم دستِ بالا داشت و چرا نظام کنونی در مبارزهَ علیه دشمنانِ وطن کوتاه آمده است؟ آیا تداوم وضعیت کَنونی، دلیلش نبودِ مسعود نیست؟
مسعود در سخت‌ترین روزها تکیه‌گاهِ مردم بود و با اندک‌ترین امکانات با پاکَستان، القاعده، طالبان و تروریسم بین‌المللی مبارزه می‌کرد. ولی رژیم امروز، طالب را دشمن نه، بلکه برادر می‌خواند و پاکستان را با تمام جنایاتش، کشوری دوست و برادر خطاب می‌کند. این است ضعفِ این حاکمان ناتوان، و آن بود اراده و استقامت و اوجِ میهن‌دوستیِ قهرمان ملی!
گذشت زمان، هر روز و هر لحظه، عظمتِ این شخصیت ملی و جهانی را آشکارتَر می‌سازد.

په کابل کې به د دیني عالمانو کنفرانس څه پایله ولري؟

د استانبول د تېر کال د دیني عالمانو له غونډې وروسته به د دې ناستې دویمه غونډه نن په کابل کې پیل شي.
خو د سیاسي چارو شننونکي وایي، چې دغه غونډه به کومه پایله ځکه ور نه کړي، چې تل دیني عالمان په عمومیاتو کې خبره کوي او عمومي خبره اغېز نه لري.
بخدي خبري اژانس د افغانستان د سوله ییزې راتلونکې په اړه د مشورتي کنفرانس غړي نعمت الله نجومي له قوله ویلي، چې دغه کنفرانس له استانبول هغه وروسته جوړېږي، چې یو غیر دولتي او غیر سیاسي پروګرام دی چې په هېڅ سیاسي او دولتي ارګان پورې اړه نه لري او نه په کې دخیل دی.
د افغانستان د سوله ییزې راتلونکې په نوم د همکاریو لومړی ناسته د ۱۳۹۱ کال د کب په څلورلسمه نېټه د ترکیې په استانبول ښار کې جوړه شوې وه.
د ترکیې په ناسته کې ۱۲۰ تنه دیني امامان، د مدني ټولنو مشران، اسلامي پوهان او څېړونکیو ګډون درلود، چې د مصر د الازهر پوهنتون د دیني څېړنو غړی ډاکټر غلام محمد قمر الازهري، د پاکستان مشهور دیني عالم طاهر القادری، د هند د دیوبند رسمی استازی مولانا سید احمد خضرشاه او لسګونه نور مخکښ عالمان په کې شامل ول.
تېرکال د استانبول د غونډې ګډونکیو اعلان کړی و، چې افغانستان یو اسلامي هېواد دی او په دې هېواد د دارالحرب د حکم جاري کول روا نه دي.
هغوی همدارنګه فتوا ورکړې وه، چې د ځانمرګو بریدونړ او تاوتریخوالي لپاره له هر ډول اسلامي او شرعي ارزښتونو سو استفاده غیر شرعي ده.
ښاغلی نجومي وایي، چې د کابل په کنفرانس کې به ۱۲۰ تنه دیني امامان، د مدني ټولنو مشران، اسلامي پوهان او څېړونکي ګډون وکړي.
نوموړی زیاتوي چې په دې غونډه کې به د استانبول د ناستې په اجنډا بحثونه وشي خو هېڅ بهرنی عالم په کې برخه نه لري.
په همدې حال کې د سیاسي چارو شننونکی وحید مژده له دې غونډې بې خبري ښیي؛ خو زیاتوي که چېرې دغسې غونډې تر سره هم شي کومه پایله ځکه نه لري، چې دیني عالمان په عمومیاتو خبره کوي.
هغه وایي، تر اوسه چې څومره د دیني عالمانو غونډې او کنفرانسونه ترسره شوي په ټولو کې عمومي خبره شوې ده.
دی وایي، په افغانستان کې د امریکا په شتون سره هېڅ دیني عالم په افغانستان کې د دارالحرب په اړه سپینه خبره نه کوي او ښایي که چېرې دغه ناسته په کابل کې تر سره شي هم په دې اړه بحث ونشي.
د ښالي مژده په وینا، که په کابل کې د جوړېدونکي کنفرانس ګډونکوونکي دیني عالمان په افغانستان کې ځانمرګي بریدونه حرام او افغانستان دار الحرب ونه بولي نو دا به ډېر بحثونه را پورته کړي او په وضعیت به تاثیر وکړي؛ خو زیاتوي چې دیني عالمان به دغه ډول څرګندونې نه کوي.
دا په داسې حال کې ده چې ټاکل شوې وه، څه وخت وړاندې د افغانستان او پاکستان د دیني عالمانو تر منځ د روانې جګړې د تعریف لپاره کنفرانس جوړ شي خو پاکستاني لوري په کې له ګډون کولو ډډه وکړه.

۱۱ کودکِ فرماندهان...

دو فرد ملکی امریکایی و یک داکتر افغان.
مقامات محلی و ناتو گفته اند که محمد اشرف ناصری، والی زابل نیز در این کاروان حضور داشت که به او آسیبی نرسید.
جان کری در بیانیه اش گفته است: «مقامات امریکایی ما و همکاران افغانشان در راه یک مکتب در قلات، مرکز ولایت بودند تا به شاگردان کتاب هدیه بدهند که مورد این حمله نفرت آور قرار گرفتند».
وزیر خارجه امریکا گفته است که او در سفرش با این دیپلومات جوان دیدار کرده بود؛ و پس از مرگ او با خانواده‌اش صحبت کرده است. به گفته کری، چهار دیپلومات امریکایی دیگر نیز در این حمله زخمی شدند که حال یکی از آنان وخیم است.
این حمله در حالی رخ داد که جنرال مارتین دمپسی، لوی درستیز ایالات متحده روز شنبه در سفر کوتاهی به افغانستان رفت. جنرال دمپسی قصد دارد تا چگونگی آموزش نیروهای امنیتی افغانستان را ارزیابی کند.
طالبان در یک پیام نوشتاری مسوولیت حمله زابل را بر عهده گرفتند.

مدیر مسؤول: نظری پریانی – ۰۷۰۰۲۶۳۱۵۲
nazari.paryani@yahoo.com
ویراستار : روح الله یوسف زاده
مدیر خبر : امیری
گروه نویسنده‌گان: حلیمه حسینی،احمد عمران و کاوه جبران
گزارشگر: ناجیه نوری
برگ آرایی: عبدالوهاب حنیفی و مجیب احمدی

نشانی برقی: mandegar.daily@gmail.com **وب سایت:** www.mandegardaily.com
شماره تماس: ۰۷۵۲۰۴۴۲۱۰ – هرات: ۰۷۹۳۸۹۹۴۴۶
مسؤول توزیع: حبیب الله – ۰۷۰۸۱۶۹۸۲۸
نشانی: حصهٔ دوم کارته پروان، چهارراهی مسجد مولوی عبدالمتین، سرک غربی (سمت باغ بالا) دست راست کوچهٔ پنجم
شماره‌گان: ۵۰۰۰
به جز «سخن ماندگار، مسؤولیت دیگر نبشته ها به نویسندگان بر می‌گردد.

Year 4 NO 1034 Wednesday 08 April 2013

Mandegar DAILY

فشار خون؛ قاتل خاموش!

سفره‌های مملو از غذاهای چرب افغانی، این روزها رنگ باخته است. اما فقر دلیل آن نیست بلکه بسیاری از افغانها حالا از بیماری «فشار خون بالا» رنج می‌برند و تلاش می‌کنند با پرهیز از خوردن بعضی غذاها، بیماری‌شان را کنترل کنند.
بسم الله ۵۰ ساله می‌گوید پنج سال پیش زمانی که به خاطر سردردی و سرگیجی به دکتر مراجعه کرده، فهمیده که به بیماری فشار خون بالا دچار شده است.
او گفت: «از وقتی فهمیدم که فشار خون دارم، پرهیزانه می‌خورم و زیاد پیاده روی می‌کنم. می‌ترسم این تکلیف جانم را نگیرد.»
پزشکان افغان می‌گویند که این بیماری روز به روز بین افغانها افزایش می‌یابد و این وضعیت نگران کننده است.
خوردن غذاهای چرب، کم علاقگی به ورزش، استفاده از دخانیات و فشارهای روحی از مهم‌ترین دلایل این بیماری در بین افغانها است.

فشار خون بالا، «قاتل خاموش انسانها»

روز گذشته (هفتم آوریل) روز جهانی بهداشت بود. امسال این روز با هدف بلند بردن آگاهی مردم از بیماری فشار خون بالا تجلیل می‌شود.
فشار خون بالا، بیماری است که در آن فشار خون به طور مزمن بالاتر از حد طبیعی است.
چهل درصد افراد بالاتر از ۲۵ سال در جهان از این بیماری رنج می‌برند. سالانه در نتیجه این بیماری ۹ میلیون نفر در جهان جان می‌دهند.
فشار خون علت نیمی از مرگ‌های ناشی از بیماری‌های قلبی، سکته مغزی و معلولیت است.
از این بیماری به عنوان «قاتل خاموش» یاد می‌شود، زیرا معمولا بدون علایم سیر می‌کند و سبب مرگ بیمار می‌شود.

هشدار «فشار خون بالا» در افغانستان

ثریا دلیل وزیر صحت افغانستان می‌گوید: «آمارگیری که در سال ۲۰۱۰ در افغانستان انجام شد، نشان می‌دهد که دلیل ۳۵ درصد مرگ و میر افغانها، امراض غیرساری به شمول فشار خون است.»
اکنون آمار دقیقی از شمار مبتلایان به این بیماری در افغانستان در دست نیست اما مقامات افزایش روزافزون این بیماری را در میان افغانها تایید می‌کنند.
دکتر نجیب نعیمی، مسوول نظارت و ارزیابی بخش خصوصی وزارت صحت به بی‌بی‌سی گفت گزارش‌هایی که از بیمارستان‌ها می‌رسد، افزایش روز افزون بیماری فشار بالای خون را نشان می‌دهد.
او گفت: «این وضعیت هشدار دهنده است. باید تدابیر پیشگیرانه و آگاهی عامه صورت گیرد تا از پیشرفت این قاتل خاموش جلوگیری کنیم.»
مقام‌های وزارت صحت می‌گویند برنامه دارند که در کنار افزایش امکانات برای تشخیص و درمان این بیماری از طریق آگاهی عامه، جامعه را در پیشگیری از این بیماری دخیل سازند.
این وزارت طرح و ترتیب استراتژی را برای پیشگیری و تداوی امراض غیرساری به شمول فشار خون بالا روی دست دارد.
آگاهی عامه در حالی از برنامه‌های وزارت صحت خوانده می‌شود که معمولا مبتلایان به این بیماری در افغانستان پس از آگاهی از بیماری‌شان دچار نگرانی شده و بیماری‌شان شدیدتر می‌شود.

اما دکتر نعیمی می‌گوید اکنون در جهان یک میلیارد نفر از بیماری فشار خون بالا رنج می‌برند و این بیماری به آسانی قابل درمان است.

فشار خون بالا قابل درمان است

اگرچه تلفات ناشی از بیماری فشار خون بالا در جهان رقم بزرگی است اما این بیماری با مقدار کمی هزینه قابل پیشگیری و درمان است.
در منطقه جغرافیایی که افغانستان در آن موقعیت دارد، این بیماری در هر دو نفر از پنج نفر دیده می‌شود.
پزشکان می‌گویند برای جلوگیری از دچار شدن به این بیماری باید همیشه ورزش کنیم و از استفاده دخانیات پرهیز کنیم.
نگهداری وزن در حد مناسب و استفاده نکردن از نمک زیاد و غذاهای چرب از دیگر توصیه‌های پزشکان است.
آنها می‌گویند باید تا جایی که امکان دارد از نگرانی‌های روحی دور بود و منظم خوابید.
همچنین فشار خون خود را باید برای آگاه شدن از این بیماری همیشه آزمایش کرد.
در نشستی که وزارت صحت عامه بدین مناسبت برگزار کرده بود، از شماری از مسوولان رسانه‌ها نیز تقدیر به عمل آمد.

مرگ دیپلمات جوان امریکایی در زابل

در اثر انفجار یک موتر بمبگذاری شده پنج امریکایی به شمول سه سرباز و یک دیپلمات جوان روز شنبه در ولایت زابل کشته شدند. یک امریکایی دیگر نیز در حمله جداگانه‌یی در شرق کشور کشته شد.
جان کری، وزیر خارجه ایالات متحده در بیانیه‌یی گفت که کاروان موترهای این دیپلومات و همراهان او روز شنبه در ولایت زابل در حرکت بودند که انفجار رخ داد. در بیانیه آمده است که علاوه بر سربازان و دیپلومات امریکایی، یک کارمند ملکی وزارت دفاع امریکا و افراد ملکی افغان نیز در این حمله کشته شدند.
روزنامه «واشنگتن پست» به قول از والدین این دیپلومات، او را انا اسمدینگهوف، ۲۵ ساله معرفی کرده است. گفته می‌شود که خانم اسمدینگهوف راهنما و دستیار جان کری در سفر ماه گذشته‌اش به افغانستان بود.
مقامات محلی و بین‌المللی پیش از این گفته بودند که شش نفر در انفجار موتر بمبگذاری شده کشته شدند: سه سرباز امریکایی،...

ادامه صفحه ۷

۱۱ کودکِ فرماندهان طالبان در کنر کشته شدند

مقام‌های محلی در ولسوالی شیگل ولایت کنر می‌گویند که در یک عملیات مشترک نیروهای امنیتی افغان و نیروهای خارجی دست‌کم یازده مخالف مسلح دولت به شمول فرماندهان محلی طالبان کشته شده اند.
عبدالظاهر، ولسوال شیگل ولایت کنر گفت که در این عملیات، خانه علی‌خان یک فرمانده محلی طالبان، بمباردمان شد و بر علاوه اعضای مهم گروه طالبان، یازده کودک نیز در این حادثه قربانی شدند.
شاهدان عینی گفته‌اند که اجساد ده کودک را دیده اند که تظاهرکننده‌گان خشمگین آن‌ها را روی شانه‌های خود به مقر ولسوالی شیگل انتقال می‌دادند.
مقام‌های محلی به خبرنگاران گفته اند که کودکان کشته شده، فرزندان طالبان مسلح بودند و در خانه‌هایی نگهداری می‌شده اند که از آن نیروهای امنیتی هدف حمله و شلیک قرار گرفته اند.
یک مقام محلی در کنر گفت که طالبان از این کودکان به عنوان سپر انسانی استفاده کرده اند.
ولسوال شیگل افزود که در عملیات ناتو، ٦ زن نیز زخمی شده و آن‌ها به

بیمارستان مرکزی اسعدآباد کنر منتقل شده اند. او گفت که خانه علی‌خان پیشتر از این از سوی فرماندهان محلی طالبان از جمله قاری حنیف به عنوان قرارگاه استفاده شده است.
در همین ...

ادامه صفحه ٦

کنفرانس اجندای ملی

ریفورم سیاسی و ایجاد صلح پایدار در افغانستان

با در نظرداشت اوضاع جاری در افغانستان و نزدیک شدن سال ۱۳۹۳ / ۲۰۱٤ زمان خروج نیروهای بین‌المللی از کشور، و به منظور بهبود روند جاری در افغانستان، بنیاد شهید احمدشاه مسعود بنا بر مسوولیت ملی خویش و به سلسله تلاش‌های پیگیرش، به‌هدف ایجاد نزدیکی و تفاهم میان نخبگان کشور در محور یک اجندای ملی، تدویر یک نشست بین‌الافغانی را در نظر دارد.
بدین منظور، از همهٔ نخبگان سیاسی، فَرهنگی و اجتماعی کشور که به‌خاطر جستجوی راه‌حل ملی تلاش فراوان داشته‌اند، ارادتمندانه تقاضا داریم که از اشتراک و سهم‌گیریِ خویش در این نشست، دفتر مرکزی بنیاد شهید مسعود را قبلاً اطلاع دهند.

دفتر مرکزی بنیاد شهید احمدشاه مسعود

ایمیل و شماره‌های تماس:
۰۷۰۰۰۵۰۰۰۰ – awmasoud@hotmail.co.uk
۰۷۰۰۲۷۷۷۸۱ – rowzana@yahoo.com
۰۷۵۲۰٤٤۲۱۰ – mandegar.daily@gmail.com
۰۷۰۰۲٦۳۱۵۲

روزنامه ماندگار برای سال آیندهٔ خورشیدی مشترک می‌پذیرد

برای دفاتر
سه ماهه – ۱۲۵۰ افغانی
شش ماهه – ۲۵۰۰ افغانی
نه ماهه – ۳۷۵۰ افغانی
یک ساله – ۵۰۰۰ افغانی

نارسیده به منزل یا دفاتر
سه ماهه – ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه – ۲۰۰۰ افغانی
نه ماهه – ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله – ٤۰۰۰ افغانی

روزنامهٔ ماندگار
Mandegar Daily newspaper

دفاتر خارجی
سه ماهه – ۱۰۰ دالر
شش ماهه – ۲۰۰ دالر
نه ماهه – ۳۰۰ دالر
یک ساله – ٤۰۰ دالر

برای دانشجویان و اساتید دانشگاه
سه ماهه – ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه – ۲۰۰۰ افغانی
نه ماهه – ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله – ٤۰۰۰ افغانی

حساب بانکي روزنامه ماندگار در میوند بانك: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: ۰۷۸٤۳۰۱٦٤۰ – ۰۷۷٦۹۳۰٥٦٥